

تَرْجُحٌ وَتَعْرِيبٌ

۵

مَثْنُؤُلُؤُزِي

۶۹

تَخْلِيلٌ صَرَفِيٌّ وَمَحْكٌ اِعْرَابِيٌّ

۱۲۱

ضَبْطُؤُلُؤُزِي

۱۵۰

۱۶۵

وَأَشْكَانٌ

قَوَاعِدُ عَرَبِيَّةٍ

۱۹۴

بخش

تدریجاً و تعریباً

۱ | ۱ «المعلمين» به صورت «معلمان» ترجمه می شود، ولی «انبیا» و «پیامبران» در گزینه های «۲» و «۳» اضافه ترجمه شده اند. [رد گزینه های «۲» و «۳»]

«جلب آن ها» در گزینه «۴» اضافه است. [رد گزینه «۴»]

«كالأنبياء» ← «مانند انبیا / چون انبیا» [رد گزینه های «۲» و «۳»]

«كل + نكره» یعنی «كل فرصة» به صورت «هر فرصتی» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۳» و «۴»]

«أن يهتموا: اهتمام ورزند» در گزینه «۴» ترجمه نشده است. [رد گزینه «۴»]

«لِ» در «يشجعوا» ناصبه است و به صورت «مضارع التزامی: تشويق کنند» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۲» و «۴»]; «تشويق مردم» مصدر است.

«بيشتری» در گزینه های «۲» و «۳» زائد است. [رد گزینه های «۲» و «۳»]

۲ | ۱ «بعضی» در گزینه های «۲» و «۴» اضافه اند و معادل عربي ندارند. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«أن تؤثر: تأثیر بگذارند» در گزینه «۲» ترجمه نشده است. [رد گزینه «۲»]

«توانایی» و «مثل» در گزینه های «۳» و «۴» زائد هستند. [رد گزینه های «۳» و «۴»]

«أن + مضارع: أن تؤثر» به صورت «مضارع التزامی: تأثیر بگذارند» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]

۳ | ۲ «تعالی» در گزینه «۳» ترجمه نشده است. [رد گزینه «۳»]

«بحاسة» معنی «به حسی» می دهد که در گزینه «۳» ترجمه نشده است. [رد گزینه «۳»]

«في» در عبارت عربي نیست، پس «در انسان» در گزینه «۱» نادرست است. [رد گزینه «۱»]

«الحسنة من السيئة» به صورت «خوب از بد» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]; چرا که در گزینه «۱»، «نيکی از بدی» نکره است و در گزینه «۳»، «کار» زائد می باشد و در گزینه «۴»، «خوب بودن از بد بودن» مصدری بوده و نادرست است.

«حاسة» نکره است، ولی «حس» معرفه می باشد. «احساس» نیز جمع است. [رد سایر گزینه ها]

۴ | ۴ «سجن ذهني» به صورت «زدان ذهنم» ترجمه می شود، ولی «گوشه» که در گزینه های «۱» و «۲» آمده است، اضافه می باشد. [رد سایر گزینه ها]

در عبارت عربي «كل / جميع...» نداریم، پس «همه» در گزینه های «۱» و «۳» اضافه است. [رد گزینه های «۱» و «۳»]

«مرة أخرى» به صورت «بار ديگر / مرتبه ديگر» ترجمه می شود، ولی «برای / برای یک» در گزینه های «۱» و «۲» اضافه است. [رد گزینه های «۱» و «۲»]

۵ | ۳ «جيداً: خوب» در گزینه های «۲» و «۴» ترجمه نشده است. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«العرف» جمع است و معنی «اتاق ها» می دهد. [رد گزینه های «۱» و «۴»]

ضمير «ها» در «فَنظفوها» فقط در گزینه «۳» ترجمه شده است و كل آن به صورت «پس آن ها را نظافت کردند» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]

«المنظفين: نظافت کنندگان / نظافتچی ها» [رد گزینه «۴»]

۶ | ۱ «این» در گزینه های «۲» و «۴» زائد است. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«قريبة منّا» به صورت «نزدیک ماست» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۲» و «۳»]

«من» معنی «هر کس» می دهد. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

ترکیب «لن + مضارع: لن يحصل» به صورت «مستقبل منفی: نخواهد یافت» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۳» و «۴»]

در ضمن، گزینه ها غلط های بی شمار دیگری هم دارند که دیگر به آن ها نمی پردازم!!! وقتمون خیلی تنگه!!!

۷ | ۱ «طول» در گزینه «۳» تعريب نشده است. [رد گزینه «۳»]

«كسب کرده ام» به صورت «اكتسبتها» صحیح است و ضمير «ها» به «التجارب» برمی گردد و باید مؤنث باشد. [رد سایر گزینه ها]

«تجربه ها» بدون ضمير ← [رد گزینه «۴»]

«أفكاراً» در گزینه «۴» زائد است. [رد گزینه «۴»]

درباره موضوعی نکره ← حول موضوع [رد سایر گزینه ها]

۸ | ۳ «انسان موفق» به صورت «الإنسان الناجح» تعريب می شود. [رد گزینه های «۱» و «۲»]

«توانایی» به صورت های «مهاره» و «قدرة» صحیح است. [رد گزینه های «۱» و «۲»]

«لحظة ها» در گزینه های «۳» و «۴» به صورت «اللحظات» آمده، ولی در گزینه های «۱» و «۲» تعريب نشده است. [رد گزینه های «۱» و «۲»]

«شكار» اسم است، ولی در گزینه «۴»، «أن تصيد» فعل می باشد و در گزینه های «۱» و «۲» هم تعريب نشده است. [رد سایر گزینه ها]

«إلا» در گزینه های «۲» و «۴» زائد است. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

۹ | ۳ «تساوي» و «يشبه» در گزینه های «۲» و «۴» زائد هستند. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«طول زندگی» به صورت «طول الحياة» تعريب می شود، ولی در گزینه های «۱» و «۴» تعريب نشده است. [رد گزینه های «۱» و «۴»]

«فقط» تنها در گزینه «۳» تعريب شده است. [رد سایر گزینه ها]

«هر لحظه» به صورت «كل لحظة» تعريب می شود. [رد گزینه های «۱» و «۴»]

«از عمر ما» ← «من عمرنا» [رد سایر گزینه ها]

«قيمة» در گزینه «۲» زائد است. [رد گزینه «۲»]

۱۰ | ۲ «در زندگی خود» به صورت «في حياته» تعريب می شود، ولی در سایر گزینه ها تعريب نشده است. [رد سایر گزینه ها]

«خوشبختی» ← «السعادة» [رد گزینه «۳»] در این گزینه ترجمه نشده است. «آرامش» ← «السكينة» [رد گزینه های «۳» و «۴»] در این دو گزینه ترجمه نشده است.

«هر کس» ← «مَن» [رد گزینه های «۱» و «۴»]

«باید استقامت بورزد» ← «ليقاوم فعليه أن يُقاوم / فعليه الاستقامة» [رد گزینه های «۱» و «۳»]

«صبر پيشه کند» ← «ليصبر» [رد گزینه های «۱» و «۳»]

۱۱ | ۲ «سرا» به صورت «دار» تعريب می شود که در گزینه های «۳» و «۴» تعريب نشده است. [رد گزینه های «۳» و «۴»]

«به خاطر» به صورت «من أجل» تعريب می شود که در گزینه های «۳» و «۴» تعريب نشده است. [رد گزینه های «۳» و «۴»]

«أن تبدأ بتهديب نفسك» به صورت «شروع به مهذب ساختن خود کنی / به تهذیب خویش اقدام کنی» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
«تكون» با «أن» آمده است و به صورت «مضارع التزامی: باشی» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«للتاس» ← «برای مردم» [رد سایر گزینه‌ها]

«تُرد» فعل شرط است و به صورت «مضارع التزامی: بخواهی» ترجمه می‌شود، ولی «خواستی» و «خواهان» که مصدر است، نادرست می‌باشد. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۱۶ ۱۴ «أن+مضارع» یعنی «أن يستمع» به صورت «مضارع التزامی: گوش کند» ترجمه می‌شود، ولی «گوش کردن» مصدر است. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«يُجيبه» فعل مضارع است و به صورت «جواب او را بدهد» ترجمه می‌شود، ولی «جواب دادن / جواب» مصدر هستند. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
«أن يدرك» معنی «درک کند» می‌دهد، ولی «درک کامل» مصدر است. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«يُعارضها» به صورت «با آن‌ها مخالفت نماید» ترجمه می‌شود، ولی «مخالفت کردن» مصدر است. [رد سایر گزینه‌ها]
«كلام المتكلم» ← «سخنان متکلم / سخنان گوینده» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۱۷ ۱۴ «يحتاج» ← «نیاز دارند / احتیاج دارند» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
«احتیاج ... است / نیاز ... است» هر دو مصدر هستند.

«حتی + مضارع» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود، یعنی «حتی یهدوا» به صورت «هدایت شوند» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]؛ «هدایت شده» و «هدایت کرده» به ترتیب ترجمه اسم مفعول و اسم فاعل هستند و فعل نمی‌باشند.

«شبابنا» ← «جوانان ما» [رد گزینه «۱»]

«نماذج مثالية» ^{نخه} ← «نمونه‌هایی برتر / نمونه‌های برتری» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

۱۸ ۱ «نبايد مشغول کنیم» به صورت «أن لا نشغل» تعریب می‌شود، ولی در گزینه «۲»، «لم نشغل» معادل «ماضي ساده منفي» است و «عدم الاشتغال» هم مصدر می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]

«نوع» ← «نوع» - «أنواع» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«بعضی از آن‌ها» ← «بعضه» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«ما را می‌کشاند» ← «يجرنا» [رد سایر گزینه‌ها]

۱۹ ۱ «شکسته شدن» مصدر است و به صورت «انكسار» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]؛ «أن ينكسر» معادل «مضارع التزامی» و «انكسر» معادل «ماضي ساده: شکست» است.

«نور خورشید» ← «ضوء الشمس» - «للشمس» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
«قطره باران» ← «قطرة المطر» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«پدیده عجیب قوس قزح» ← «ظاهرة قوس قزح العجيبه» [رد سایر گزینه‌ها]

۲۰ ۳ «ترك تحصيل کنند» فعل است، ولی در گزینه‌های «۱» و «۲» چون به صورت مصدری «لترك» ترجمه شده‌اند، رد می‌شوند. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«غرق شدگان» ← «الغارقون / الغریقون» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
«دنیوی» ← «الدنیویة» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
۱۲ ۳ «اللغة» در گزینه‌های «۲» و «۴» زائد است. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«لي» در گزینه «۱» زائد است. [رد گزینه «۱»]

«برنامه‌ای» نکره است و به صورت «برنامجا» می‌آید. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
«مراکم می‌کند» باید به صورت «يُساعدني» بیاید. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
۱۳ ۴ تمامی کلمات و عبارات این گزینه، به درستی ترجمه شده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ «مرده‌اش» در ترجمه زائد است و در عبارت عربی، معادل ندارد. / «أخيه: برادرش»

۲ «به خدا» در ترجمه زائد است و در عبارت عربی معادل ندارد.

۳ «از دیگران» در ترجمه زائد است و در عبارت عربی معادل ندارد.

۱۴ ۲ «تقدّم» فعل است و به صورت «پیشروی کرد» ترجمه می‌شود، ولی در گزینه‌های «۳» و «۴» به صورت «پیشرفت دشمن...» مصدر است و نادرست می‌باشد. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«يظن» مضارع است و به صورت «گمان می‌برد» ترجمه می‌شود، ولی در سایر گزینه‌ها «به گمان اینکه / به گمان این بود / گمان کرد» نادرست است. [رد سایر گزینه‌ها]

«فشلنا» ← «شکست ما» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«قريب» ← «نزدیک» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

اشتباهات متداول

حواستان باشد که مصدرهای ثلاثی مزید را با فعل اشتباه نگیرید:

افعال	انفعال	استفعال	إفعال
اكتساب	انكسار	استخدام	إقدام
تفعيل	تفعل	مفاعلة	تفاعل
تقديم	تقدم	مكاشفة	تظاهر

دقت کنید که در باب‌های «تفعل» و «تفاعل» حالت ماضی و مصدر و امر کاملاً شبیه به هم است که باید هر کدام را از ساختار و شرایط جمله تشخیص دهید:



۱۵ ۳ «أن + مضارع» یعنی «أن تبدأ» به صورت «مضارع التزامی: اقدام نمایی / پردازی» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«اجازه نمی دهند» مضارع اخباری ← «لا یسمح» [ردگزینه های «۱» و «۴»]
 «معاش» بدون ضمیر بوده و «معاشهَنْ / معاشهم» نادرست است. [رد
 گزینه های «۱» و «۲»]

۲۱ ۳ «تا یاریشان کنی: لتساعدهم» فعل معادل مضارع التزامی
 می باشد، ولی در گزینه های «۱» و «۲» به شکل مصدری «لعونهم» تعریب
 شده است. [رد گزینه های «۱» و «۲»]

«بدان» فعل امر است و به شکل «فاعلیم» تعریب می شود. [رد سایر گزینه ها]
 «دست دیگری» ← «یدک الأخری» [رد گزینه های «۲» و «۴»]

۲۲ ۱ «قبل از سخن گفتن» ترکیب اسمی است و به صورت «قبل
 الکلام» می آید و نباید به صورت فعل «قبل أن تکلم» ترجمه شود، هم
 چنین «تفکر قبل المکالمه» ترجمه دقیقی نیست. [رد سایر گزینه ها]
 ساختار عبارت، شرطی است و «هر کس» به صورت «من» می آید. [رد
 گزینه های «۳» و «۴»]

«غالباً» به صورت «غالباً» می آید، نه «فی الأغلب» [رد گزینه های «۲» و «۴»]
 ۲۳ ۳

بررسی سایر گزینه ها

۱ «ماتوا» فعل است و معنی «بمیرند» می دهد، اما «مردن» مصدر است.
 ۲ «کانت تیش» فعل است و معنی «زندگی می کردند» می دهد نه
 «زندگی کردن».

۴ «ساتر» اسم فاعل است و معنی «پوشاننده» می دهد نه «می پوشاند».
 ۲۴ ۱ «تُ» در «واجهتُ» مربوط به متکلم وحده است و به صورت

«مواجه شدم / برخورد کردم» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۲» و «۳»]
 «ها» در «أبعدها» ضمیر نصبی / جری است و به صورت مفعولی یعنی «آن»
 را دور کنم» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«حیاتی» ← «زندگی ام / زندگی خود / زندگی خویش» [رد گزینه «۴»]
 «معتمداً علی نفسی» ← «با اعتماد بر خویشتن / اعتماد بر نفس خود /
 با اعتماد بر نفس خویش» [رد گزینه های «۲» و «۴»]

۲۵ ۱ در «أكثر من الأزم» ضمیری نداریم، پس «بیش از حد نیازش»
 نادرست است. [رد گزینه «۲»]
 «یُصب: دچار می شود» [رد سایر گزینه ها]

«یستفد» فعل است و در گزینه «۴» به صورت مصدر ترجمه شده است.
 [رد گزینه «۴»]

۲۶ ۲ «کم» در «یهدیکم» مفعول است و به صورت «شما را هدایت
 می کند» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]
 «مصباح» نکره است و به صورت «یک چراغ / چراغی» ترجمه می شود. [رد
 گزینه های «۳» و «۴»]

«یهدیکم: شما را هدایت می کند» [رد سایر گزینه ها]
 ۲۷ ۴ قبل از «ی» در «أخذتني» نون وقایه داریم؛ در نتیجه ضمیر
 مفعولی است و به صورت «شگفتی مرا فرا گرفت / حیرت مرا فرا گرفت»
 ترجمه می شود. [رد گزینه های «۱» و «۳»]

«واجباتهنَّ» به صورت «وظایف خویش / وظایف شان / تکالیف خود /
 تکالیفشان» ترجمه می شود. [رد گزینه «۳»]

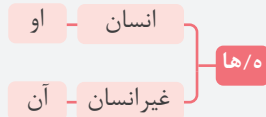
«شاهدتُ» فعل ماضی است و معنای «دیدم» دارد. [رد گزینه «۱»]

«أكثر من غیرهنَّ» به صورت «بیش از دیگران» ترجمه می شود. [رد گزینه های
 «۱» و «۲»]

۲۸ ۲ «ها» در «ندركها» مفعولی است و به صورت «آن را درک می کنیم /
 درکش می کنیم» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]

❌ اشتباهات متداول

دقت کنید که ضمائر «ه» و «ها» اگر به «انسان» برگردند، به صورت
 «او» ترجمه می شوند، ولی اگر به غیر انسان برگردند، به صورت «آن»
 ترجمه می شوند.



مفاهیم... ندرکها

ضمیر «ها» به «مفاهیم» بر می گردد که جمع غیر عاقل است؛ پس
 به صورت «آن را درک می کنیم» ترجمه می شود.

الأُم أحبُّها

«ها» به «الأُم» بر می گردد که انسان است و به صورت «او را دوست
 دارم» ترجمه می شود.

«ها» در عبارت «لا نقدر أن نصفها» مفعولی است و به صورت «قادر به توصیف
 آن نیستیم / قادر به توصیفش نیستیم» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]
 «هناك» ابتدای جمله است و معنی «وجود دارد» می دهد. [رد سایر گزینه ها]
 «مفاهیم بسیطه» ترکیب وصفی است، و به صورت «مفاهیم ساده ای /
 مفاهیمی ساده» ترجمه می شود. [رد گزینه «۴»]

۲۹ ۲ «كلامك» به صورت «سخن تو / سخن خود» ترجمه می شود.
 [رد سایر گزینه ها]

«ك» در «ليصاحبك» مفعولی است و به صورت «با تو صحبت کنند» ترجمه
 می شود. [رد سایر گزینه ها]
 «راغبين» حال است و به صورت «با میل، متمایل» ترجمه می شود. [رد
 گزینه های «۳» و «۴»]

۳۰ ۲ «عمرک» به صورت «عمر تو / عمرت» ترجمه می شود. [رد سایر
 گزینه ها]

«لا یسمح لك» به صورت «به تو اجازه نمی دهد» ترجمه می شود. [رد
 گزینه های «۱» و «۴»]

«طعم الحیاة الحقیقی» ترکیب «اسم + م إليه + صفت» می باشد که در
 فارسی به صورت «اسم + صفت + م إليه» یعنی «طعم واقعی زندگی» ترجمه
 می شود. [رد گزینه های «۱» و «۳»]

۳۱ ۴ «مخلوقات» به صورت «مخلوقاتش / مخلوقات خود» ترجمه
 می شود. [رد گزینه های «۲» و «۳»]

«منها» به صورت «از آنها» ترجمه می شود، که در گزینه «۳» ترجمه نشده
 و در گزینه «۱»، «آن» آمده که مفرد است، در گزینه «۲» هم به جای «من»
 از، «تا» آمده است. [رد سایر گزینه ها]

«خصائص» جمع ← «خصوصیاتی» [رد گزینه های «۱» و «۳»]

«طریقها» به صورت «راهش / مسیرش» ترجمه می‌شود، چون ضمیر «ها» به «التَّملة» برمی‌گردد. [رد سایر گزینه‌ها]

«التَّملة» معرفه است و «مورچه‌ای» نکره است؛ لذا نادرست می‌باشد. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«تجعل» به صورت «قرار می‌دهی» ترجمه می‌شود و «قرار بگیرد» نادرست است. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۳۹ ۴ «لك» ← «برایت / برای تو» [رد گزینه «۱»]

ضمیر «ه» در «جعله» مفعول است و باید به صورت «آن را قرار داده» ترجمه شود، ولی «در آن قرار داده» نادرست است. [رد سایر گزینه‌ها]

۴۰ ۳ «قلبش» ← «قلبه» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«به ناامیدی» به صورت «اللیأس» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«أن لا يتسرَّب» معادل «که نفوذ نکند» است. [رد گزینه «۲»]

۴۱ ۱ «دهانشان» ← «فمهم» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»] «لسان» به معنی «زبان» است.

«فکر» ضمیر ندارد، پس «فکرهم» نادرست است. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«لیس» به معنی «نیست» می‌باشد و معنی منفی دارد. [رد گزینه «۴»]

۴۲ ۱ «دل» ضمیر ندارد، پس «قلبنا» نادرست است. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«فکر» ضمیر ندارد و اسم است، پس «تفکرنَا» و «أن نفکر» نادرست است. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۴۳ ۱ «دوستم» ← «صديقي» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«فراموش کرده‌ام» به شکل «قد نسيتك» تعریب می‌شود، دقت کنید که در «نسيْتُ» ضمیر «ك» تعریب نشده و نیز «أنسا» مضارع است و به صورت «فراموش می‌کنم» ترجمه می‌شود و نادرست هستند. [رد سایر گزینه‌ها]

«از تو باقی نمانده است» ← «لم يبق منك ذكْرٌ / ما بقي منك ذكْرٌ» [رد سایر گزینه‌ها]

«ندیده بودم» ماضی بعید است و از ترکیب «کان + ماضی» تشکیل می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«دقت کنید که چون «أشاهده» مضارع است، با «کان» به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۴۴ ۳ «زندگی خود» به صورت «حياتك» ترجمه می‌شود و در «نفسك» ضمیر در جای درست خود ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«کار نخواهی کرد» به صورت «لن تعمل» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۴۵ ۲ «برای آنها» ← «لهما» [رد سایر گزینه‌ها]

«نیست» ← «لیس» [رد گزینه «۱»]

«بزرگ‌ترین» ← «أعظم» [رد گزینه «۱»]

۴۶ ۲ «اشتباهاتشان» ← «أخطائهما / خطاياهما» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«تعب» اسم است نه فعل، پس «یتعبان» نادرست است. [رد گزینه «۱»]

۴۷ ۴ «نا» در «أعدائنا» و «ثورتنا» ترجمه شده و کاملاً درست است. بررسی سایر گزینه‌ها

۱) ضمیر «ی» در «معلّمی» ترجمه نشده است که به صورت «معلّم / معلّم خود» ترجمه می‌شود.

۳۲ ۱ «عنك» به صورت «از تو» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«القلب» بدون ضمیر است، پس «قلبت» نادرست است؛ چون «ت» اضافه است. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«لا تكن» فعل نهی است و به صورت «مباش / نباش» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۳۳ ۲ «دینکم» به صورت «دین شما / دینتان» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

این آیه قرآن است که خدا با انسان سخن می‌گوید، پس ضمیر «ی» در «نعمتی» را خدا بیان می‌کند و به صورت «نعمتم / نعمت خود / نعمت خویش» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

۳۴ ۴ «هم» در عبارت «كانوا قد روعوهم» مفعولی است و به صورت «آنها را تهدید کرده بودند» ترجمه می‌شود، که در گزینه‌های «۱» و «۲» این ضمیر ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«توکل آن‌ها / توکلشان» ترجمه می‌شود که در گزینه «۱» ترجمه نشده است. [رد گزینه «۱»]

«همواره / همیشگی» در گزینه‌های «۲» و «۳» اضافه است و در عبارت عربی وجود ندارد. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۳۵ ۱ «عبادی» به صورت «بندگان من / بندگانم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«یرثها» به صورت «[آن را] به ارث می‌برند» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۳۶ ۴ «ه» در «لا يتعبه» مفعولی است و به صورت «او را خسته نمی‌کند» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«ه» در «يقويه» مفعولی است و به صورت «او را قوی می‌کند» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۳۷ ۳ «رَبِّك» به صورت «پروردگارت» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

ضمیر «ه» در «رسالته» به خدا برمی‌گردد و به صورت «رسالت او / رسالتش» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

اشتباهات متداول

حواستان باشد ضمیر به کدام اسم بر می‌گردد و برای کدام اسم به کار رفته است، تا برای همان ترجمه کنید و **جابه‌جا** یا **اشتباه** ترجمه نکنید، به طور مثال در آیه داده شده در همین سؤال دقت کنید که: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾ ضمیر «ه» در «رسالته» به «رَبِّ» برمی‌گردد و به صورت «رسالت او / رسالتش» ترجمه می‌شود که در دو گزینه اشتباه است.

«ما» معنی «آنچه» می‌دهد. [رد سایر گزینه‌ها]

۳۸ ۴ «كُنْ» فعل امر است؛ در نتیجه ضمیر «ك» مربوط به «للمخاطب» می‌باشد، که جمله او را خطاب قرار داده است. پس «إصبعك»

به صورت «انگشتت» ترجمه می‌شود، اما در سایر گزینه‌ها این ضمیر ترجمه نشده است. [رد سایر گزینه‌ها]

۲) ضمیر «ه» در «دروسه» ترجمه نشده که به صورت «درس‌هایش / دروس او» ترجمه می‌شود، در ضمن «ما شاهد» فعل ماضی منفی است که به صورت «مشاهده نکرد» ترجمه می‌شود. / «تقدماً» نکره است و ترجمه صحیح آن «پیشرفتی» است.

۳) ضمیر «ك» در «صلاتك» ترجمه نشده که ترجمه درست آن «نمازت / نماز تو» است.

۴۸ ۴ «اللیالی» جمع است و به صورت «شب‌ها» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«المصانع» جمع است و به صورت «کارخانه‌ها» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«أحد» معنی «یک» می‌دهد، که در گزینه‌های «۱» و «۳» ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«عَزَمَ» ماضی ساده است و به صورت «تصمیم گرفت» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«المصانع» معرفه است، پس «یک کارخانه / کارخانه‌ای» که نکره هستند، رد می‌شوند. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۴۹ ۳ «عمل حسن» ترکیب وصفی نکره و مفرد است و به صورت «کار خوبی / کاری خوب / یک کار خوب» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«عمل سیئ» ترکیب وصفی نکره و مفرد است و به صورت‌های «کار بدی / کاری بد / یک کار بد» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«ه» در «تَحَبَّه» مفرد است و به صورت «دوستش داری، او را دوست داری» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۵۰ ۲ «الأمثال» جمع است و معنی «مثل‌ها» می‌دهد. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«یضرب» مضارع است و به صورت «می‌زند» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«الأمثال» معرفه است و «مثل‌هایی / مثلی» هر دو نکره و نادرست هستند. [رد سایر گزینه‌ها]

۵۱ ۳ «الآلهة» جمع ← «خدایان» - «خُذُوا» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«راغِبٌ» اسم و خبر است و ترجمه صحیح آن «روی‌گردان هستی» می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]

۵۲ ۲ «السَّمَاوَاتِ» جمع است و به صورت «آسمان‌ها» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«الأَرْضِ» مفرد است و به صورت «زمین» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«آیه» مفرد و نکره است و به صورت «آیتی / یک آیت / نشانه‌ای / یک نشانه» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«لِ» در «لِلْمُؤْمِنِينَ» حرف جز است و به صورت «برای مؤمنان» ترجمه می‌شود و «مؤمنان را / مؤمنین را» نادرست است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

۵۳ ۱ «السَّمَاوَاتِ» جمع ← «آسمان‌ها» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«الأَرْضِ» مفرد ← «زمین» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«من» به صورت «کسی که / هرکس» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

۵۴ ۱ «أنفس» جمع ← «جان‌ها» [رد سایر گزینه‌ها]

«يُضْحَوْنَ» مضارع است و به صورت «فدا می‌کنند / می‌گذرند» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«مجهولون» ← «ناشناخته‌اند / ناشناخته هستند» [رد سایر گزینه‌ها]

۵۵ ۳ «النَّاسِ» مفرد است و به صورت «مردم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

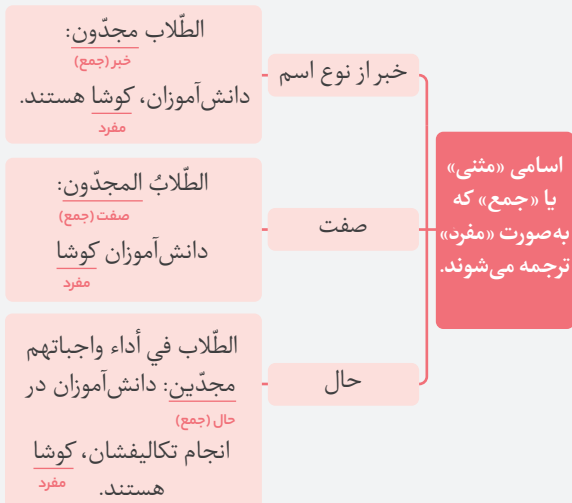
❌ اشتباهات متداول

خیلی از بچه‌ها فکر می‌کنند که «النَّاسِ» جمع است، ولی بدانید که «النَّاسِ» مفرد است و جمع آن «أُنَاسٌ» است.

«الفقراء» خبر برای «أنتم» است و هر موقع اسم جمع «خبر» باشد، به صورت مفرد ترجمه می‌شود، یعنی «نیازمند». [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

❌ اشتباهات متداول

خیلی خیلی حواستان باشد که اسامی «مثنی» یا «جمع» اگر «خبر / صفت / حال» باشند، معمولاً به صورت «مفرد» ترجمه می‌شوند.



«و» بر سر «الله» معنی «و» دارد، ولی به اشتباه در گزینه‌های «۱» و «۲» به صورت «ولی» ترجمه شده است. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

۵۶ ۱ «یفتخرون» معنی «افتخار می‌کنند» می‌دهد. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«لَأَمْ و لَأَب: یک پدر و مادر» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«الجهال» جمع است و معنی «نادان‌ها» می‌دهد. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«سوی» معنی «جز» می‌دهد. [رد گزینه «۴»]

۵۷ ۳ «بلا» مفرد ← «المصيبة» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«نعمت» مفرد ← «النعمة» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«درست و حقیقی» ← «صادقاً و حقیقیّاً» [رد سایر گزینه‌ها]

۵۸ ۱ «عیب‌های خود» ← «عیوب أنفسنا» [رد سایر گزینه‌ها]

«دیگران» به صورت «الآخرین» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«غافل می‌شویم» مضارع اخباری است؛ پس «سنغفل / غفلنا» نادرست‌اند. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

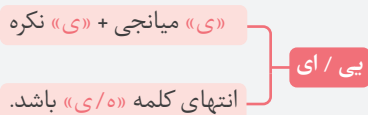
اشتباهات متداول

• دقت کنید که «ی» نکره و میانجی را اشتباه نگیرید؛ به طور مثال ترکیب «نماذج مثالیة» به صورت «نمونه‌ها والا» ترجمه می‌شود، ولی چون قابل خواندن نیست، یک «ی» میانجی اضافه شده و به صورت «نمونه‌های والا» در می‌آید. حالا اگر بخواهیم به نکره تبدیل شود، به صورت «نمونه‌هایی والا / نمونه‌های والایی» در می‌آید.

میانجی نکره میانجی نکره

• اگر انتهای کلمه «ی/ه» باشد، یا اگر به هر دلیلی نتوان «ی» تنها اضافه کرد، نمی‌توان مستقیم به انتهایش «ی» نکره اضافه کرد و «ای/بی» اضافه می‌شود.

• دوستی ← دوستی‌ای -دسته ← دسته‌ای



۶۶ ۱ «منظراً رائعاً» ترکیب وصفی نکره است و به صورت «منظره دل‌انگیزی / منظره‌ای دل‌انگیز / یک منظره دل‌انگیز» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«کانت قد صنعت» ← «ساخته بودند» [رد سایر گزینه‌ها]
«أثمار فصل الصيف المفيدة» ← «میوه‌های مفید فصل تابستان» [رد سایر گزینه‌ها]

«فصل الربيع» ← «فصل بهار» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
«لنا» ← «برای ما / برایمان» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
۶۷ ۲ «الفرص الذهبية» ترکیب وصفی و معرفه است و به صورت

«فرصت‌های طلایی / فرصت‌های زرین» ترجمه می‌شود، ولی «فرصت‌هایی طلایی / فرصت‌هایی زرین» نکره‌اند. [رد گزینه «۴»]
«الناس» ← «مردم» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

از ضمیر «ها» در «یقتنصونها» که مفعولی است می‌توان فهمید که این فعل معلوم است و «آن‌ها را شکار می‌کنند / شکارشان می‌کنند» درست می‌باشد، ولی «موفق به شکار آن‌ها می‌شوند / به شکار آن نایل می‌شوند» نادرست‌اند؛ چرا که به صورت مجهول ترجمه شده‌اند. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

۶۸ ۴ «حدّ» ← «حدّی» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
«طرق دقيقة» ← «روش‌های دقیقی / روش‌هایی دقیق» [رد سایر گزینه‌ها]

«منها» ← «از آن‌ها» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
«هناك» اول جمله معنی «وجود دارد» می‌دهد و «لبس هناك» به معنی «وجود ندارد» است. [رد سایر گزینه‌ها]

۶۹ ۱ «الجدار» ← «دیوار» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
«الفرج» ← «نجات / گشایش» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
«تقدر» ← «می‌توانی» [رد گزینه «۴»]

«نهاية الأمر» بدون ضمیر است و به صورت «پایان کار» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
«راه» در گزینه‌های «۲» و «۴» زائد است. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۵۹ ۳ «جای» ← «مکان» - «أمكن» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
«پرداخته است» ماضی نقلی است و «قد قام» بهترین تعریب برای آن می‌باشد و «يقوم / يعمل / عمل» نادرست‌اند. [رد سایر گزینه‌ها]

واژه «در» در عبارت «در ۴۰ سالگی» در گزینه‌های «۱» و «۲» تعریب نشده و «سنّ» در گزینه «۴» اضافه می‌باشد و به صورت «في الأربعين» درست می‌باشد. [رد سایر گزینه‌ها]

۶۰ ۱ «سختی» ← «صعوبة / الصّعب» - «المصاعب - صعوبات» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
«آماده کرده‌اند» ماضی نقلی است و «قد أعدوا / استعدوا» می‌توانند درست باشند. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۶۱ ۱ «خطاها» ← «أخطاء» - «خطأ» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
«چیزها» ← «الأشياء» - «شيء»، «كلّ» اگر با ضمیر باشد، به صورت «هر» ترجمه می‌شود؛ یعنی «كلّها» معنی «هر چیز» می‌دهد. [رد سایر گزینه‌ها]

«برای تو کافی نیست» به صورت «لا يكفيك» تعریب می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
۶۲ ۴ در این گزینه اشتباهی نیست.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ «قانون» مفرد است، پس «قوانین» نادرست است.
۲ «مفاتيح» جمع است و به صورت «کلیدها» ترجمه می‌شود نه «کلید».
«يُعتَبَرُ» فعل مجهول است و به شکل «به شمار می‌آیند» ترجمه می‌شود.

۳ «نعم» و «طيبات» هر دو جمع هستند، پس درست آن «نعمت‌ها / نعمات» و «روزی‌های پاک» است.
۶۳ ۲ «معطّ كريم» ← «بخشنده بزرگواری / بخشنده‌ای بزرگووار / بخشنده کریمی / بخشنده‌ای کریم» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«يعطي» ← «می‌بخشد / بخشش می‌کند» [رد گزینه «۴»]
«من لا يُناديه» ← «کسی که او را نمی‌خواند» [رد سایر گزینه‌ها]

«لا يسأله شيئاً» ← «چیزی از وی نمی‌خواهد» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
۶۴ ۲ «ممرّ» ← «راهرو» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]؛ «این راهرو» نادرست است؛ چون در عبارت عربی اسم اشاره نداریم.

«نافذة» ← «پنجره‌ای / یک پنجره» [رد گزینه «۴»]
«منظر جميل» ← «منظره زیبایی / منظره‌ای زیبا / یک منظره زیبا» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«تفتّح» ← «مضارع اخباری» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
«حينما» ← «وقتی / زمانی» [رد سایر گزینه‌ها]
«این راهرو» و «آن پنجره» در گزینه‌های «۳» و «۴» نادرست‌اند؛ چرا که در عبارت عربی، اسم اشاره دیده نمی‌شود.

۶۵ ۲ «أسوة» ← «الگوی» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
«أهدافهم الشامية» ← «هدف‌های عالی خویش / اهداف عالی خویش / اهداف والایی خویش» [رد گزینه «۳»]

«لأنفسهم» ← «برای خود» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
«ل» در «ليجعلوا» ناصبه است و به صورت «تا قرار دهند» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«نماذج مثاليّة» ترکیب وصفی نکره است و همه «نمونه‌هایی والا / نمونه‌هایی ممتاز / نمونه‌هایی عالی / نمونه‌های ممتازی» درست هستند.

- ۷۰ ۲ «الألوان» معرفه ← «رنگ‌ها» [رد گزینه «۴»]
 «لا» بر سر «لون» نفی جنس است و معنی «هیچ» می‌دهد، ولی در گزینه «۴» نیامده است. [رد گزینه «۴»]
 «هناك» ← «آن جا» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 «تختفی» مضارع اخباری ← «مخفی می‌شوند / پنهان می‌شوند» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 ۷۱ ۴ «مفاهیم جدیدة» وصفی نکره ← «مفاهیم جدیدی / مفاهیمی جدید» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 «أقلام» ضمیر ندارد. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «تُدَلُّ» مضارع اخباری ← «دلالت می‌کند» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 «بعض الشعراء» ← «بعضی شاعران / بعضی شعرا» [رد گزینه «۲»]؛ پس «بعضی از شاعران / بعضی از شعرا» نادرست است؛ چون «از» اضافه می‌باشد.
 ۷۲ ۲ «الزكام الشديد» ← «تب شدید» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 «وصفة» نکره ← «نسخه‌ای / یک نسخه» [رد گزینه «۴»]
 «حبوب مسكّنة» نکره ← «قرص‌های مسکنی / قرص‌هایی مسکن» [رد سایر گزینه‌ها]
 «آن / تعدادی» و «آن» در گزینه‌های «۳» و «۴» اضافه‌اند. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «أيضاً» ← «نیز» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]؛ در این دو گزینه ترجمه نشده است.
 ۷۳ ۳ «مصدر» نکره ← «منبعی / یک منبع» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «این» و «همه» در گزینه «۴» زائد است. [رد گزینه «۴»]
 «أن تقرب» ← «نزدیک شود» [رد گزینه «۲»]
 «تبتعد» ← «دور شود» [رد گزینه «۲»]
 ۷۴ ۱ «رسلاً» نکره ← «رسولانی / پیامبرانی / فرستادگانی» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «البينات» معرفه ← «بیّنات / معجزات / دلایل روشن» [رد سایر گزینه‌ها]
 «قوم» مفرد است، پس «اقوام» نادرست می‌باشد. [رد گزینه «۳»]
 ۷۵ ۴ «کنز» خبر نکره است و صفت ندارد و باید به صورت معرفه «کنج» ترجمه شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 «أكثر من قبل: بیشتر از قبل / بیش از پیش» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

سوئ تفاهم طوری

اسم نکره همیشه باید به صورت «نکره» ترجمه شود، مگر اینکه «خبر» واقع شود و آن خبر صفت نداشته باشد که به صورت معرفه ترجمه می‌شود، خواهشاً به این نکته توجه ویژه‌ای داشته باشید، چون در کتاب‌های نظام قدیم نبود و یکی از کاندیدهای مهم طرح سؤال است.

-التلميذ مؤدّب!

چون خبر نکره «مؤدّب» صفت ندارد، به صورت معرفه «مؤدّب» ترجمه می‌شود.

-التلميذ كاتب ناجح!

چون خبر نکره «کاتب» دارای صفت «ناجح» است، به صورت نکره «نویسنده موفق / نویسنده‌ای موفق / یک نویسنده موفق» ترجمه می‌شود.

ترجمه خبر نکره

اگر صفت نداشته باشد. معرفه

اگر صفت داشته باشد. نکره

- ۷۶ ۳ «مادری» نکره ← «أماً» - «الأم» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
 «لباس» مفرد ← «لباس» - «ملابس» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 «چهار فرزند خود» ← «أولادها الأربعة» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «می‌پوشاند» ماضی استمراری است و از ترکیب «کان+مضارع» ساخته می‌شود؛ یعنی «کانت تلبس» درست است. [رد سایر گزینه‌ها]
 ۷۷ ۳ «سنگی» نکره ← «حجر» - «الحجر» [رد سایر گزینه‌ها]، در گزینه «۲» ترجمه نشده است.
 «سنگ» معرفه ← «الحجر» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «غرق شود» ماضی است، ولی «يُغرق» مضارع می‌باشد. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
 ۷۸ ۱ «فرستی» نکره ← «فرصة» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «سختی‌ای» نکره ← «صعوبة» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «فرصت» معرفه ← «الفرصة» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 در عبارت فارسی «فقط / تنها / مگر...» نیست، پس «إلا» در گزینه‌های «۳» و «۴» نادرست است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «می‌بیند: بیری» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 ۷۹ ۲ «دوستانی» نکره ← «أصدقاء» [رد سایر گزینه‌ها]
 «با آنان» ← «معهم» [رد گزینه «۱»]
 «نگران نباشند» ← «لا يکونون قلقين» [رد سایر گزینه‌ها]
 ۸۰ ۴ «اسب‌هایی» نکره ← «أفراساً» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «اسب‌ها» معرفه ← «الأفراس» [رد سایر گزینه‌ها]
 در گزینه‌های «۱» و «۲»، «فی» آمده، ولی در عبارت فارسی «در» نداریم، پس این دو گزینه رد می‌شوند. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «صاحب» در «صاحبشان» مفرد است و معادل عربی آن «صاحبها» است. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 ۸۱ ۱ «دستور» نکره است، پس باید به صورت «قانونی / یک قانون» ترجمه شود و «حياة الإنسان اليومية» ترکیب وصفی اضافی معرفه است و به صورت «زندگی روزمره / روزانه انسان» ترجمه می‌شود.
 بررسی سایر گزینه‌ها
 ۲ «المنظر الجميلة» ترکیب وصفی معرفه است، پس به صورت «منظر زیبا / منظره‌های زیبا» ترجمه می‌شود، ولی «منظر زیبایی» به صورت نکره ترجمه شده و نادرست است. / «هذه: این»
 ۳ «ظاهرة خلابة» ترکیب وصفی نکره است و به صورت «ظاهری دلربا / ظاهر دلربایی / یک ظاهر دلربا» ترجمه می‌شود.
 ۴ «سیاحاً» نکره است و باید به صورت نکره ترجمه شود؛ یعنی «گردشگرانی».
 ۸۲ ۳ «مكانة عالية» ترکیب وصفی نکره است، پس به صورت «جایگاهی والا / جایگاه والایی / یک جایگاه والا» ترجمه می‌شود، پس این گزینه کاملاً درست است.

۱) «شجرة» نکره است و معنی «درختی / یک درخت» می‌دهد. پس «درخت» نادرست است.

۲) اولاً «يَجعل» فعل مضارع است، پس باید بگوییم: «قرار می‌دهد»، ولی «الفرص الذَّهَبِيَّة» ترکیب وصفی معرفه است، لذا «فرصت‌هایی طلابی» نادرست است، چون به صورت نکره می‌باشد.

۴) «هجمة قويَّة» ترکیب وصفی نکره است، پس معنی «حمله‌ای قوی / حمله قوی‌ای / یک حمله قوی» می‌دهد، پس این گزینه هم نادرست است. همچنین «لاعب هذا الفريق» به صورت «بازیکن این تیم» ترجمه می‌شود.

۸۳ ۱ «الثامنة إلبعاً» ← «یک ربع مانده به هشت» [رد گزینه «۲»]
«کلّ+نکره» به صورت «هر» ترجمه می‌شود؛ یعنی «کلّ يوم: هر روز» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«أركبُ» فعل مضارع متکلم وحده است و به صورت مضارع اخباری «سوار می‌شوم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«حتّى+مضارع» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود؛ یعنی «حتی اصل: برسم» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«بيتنا» ← «خانه‌مان» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

۸۴ ۳ «هفت» ← «سبع»-«سابع / السابع» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«سوّمین» ← «اعداد ترتیبی» همیشه بعد از معدود خود می‌آیند؛ یعنی به صورت «الكتاب الثالث» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«دوازدهم» ← «الثاني عشر» [رد سایر گزینه‌ها]

۸۵ ۱ «پنج» اصلی ← «خمس» - «الخامسة / خامسة» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«چهار» اصلی ← «أربع» - «رابع» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
قبل «مقدمه» حرف جر نداریم، پس «لمقدّمة» نادرست است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«آخرین صفحه» ← «آخر صفحة» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

۸۶ ۴ «پنجم» ترتیبی ← «الخامس» [رد گزینه «۲»]
«هفت» اصلی ← «سبعة» [رد گزینه «۲»]

فعل «چاپ کرده است» فعل معلوم و معادل ماضی نقلی است و می‌توان ماضی ساده را هم به جای آن پذیرفت، پس «طبعت / قد طبع» می‌توانند درست باشند، ولی «كانت طبعت / كان قد طبع» به صورت «ماضی بعید» ترجمه می‌شوند. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«دیدم» ماضی است، ولی «أشاهد» مضارع متکلم وحده باب «مفاعلة» می‌باشد. [رد گزینه «۲»]

۸۷ ۳ «هشت» اصلی ← «ثمانی» [رد گزینه «۴»]
«سه» اصلی ← «ثلاث» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«برای رساله خود» ← «لرسالتی» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
سه صفحه آخر آن را تصحیح کردم ← صححت ... من آخرها [رد سایر گزینه‌ها]

۸۸ ۳ «سه» اصلی ← «ثلاث / ثلاثة» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
«چهار» اصلی ← «أربعة» [رد گزینه «۲»]

«برای مدت چهار روز» ← «لمدّة أربعة أيام» [رد سایر گزینه‌ها]

۸۹ ۱ «چهارم» ترتیبی ← «الرابعة» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«سه» اصلی ← «ثلاثة» [رد سایر گزینه‌ها]

«شدم» ← «أصبحت» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]; قبل آن به «قد» یا «كنت» نیازی نیست.

«در زمینه» ← «في مجال» [رد گزینه «۳»]

۹۰ ۴ «چهارمین» ترتیبی ← «الرابعة» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
«می‌رفتند» ماضی استمراری است و «كان ... يذهبون» معادل آن می‌باشد.

[رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«سه» اصلی است و قبل از معدود می‌آید؛ یعنی «ثلاث سيارات» درست است. [رد سایر گزینه‌ها]

۹۱ ۲ «نه» اصلی ← «تسع / تسعة» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«یازده» عدد دو رقمی کمتر از «بیست» است و بین آن‌ها «و» نمی‌آید؛ یعنی «أحد عشر» درست است. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»] و «الحادية عشرة» نیز

ترتیبی است. [رد گزینه «۴»]

«این» ← «هذه» [رد گزینه «۱»]

۹۲ ۴ «سه معاون او» ← «ثلاثة معاونيه» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
«پنج دانش‌آموز» ← «خمسة تلاميذ» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«مراسمی» نکره است و به صورت «مراسیم» می‌آید که در گزینه‌های «۱» و «۲» ترجمه نشده و در گزینه «۳» نیز به صورت معرفه «المراسیم» آمده

است. [رد سایر گزینه‌ها]

۹۳ ۲ «ستّه و ثمانین» به معنی «هشتاد و شش» بوده و کاملاً درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «العشرين» به معنای «بیستم» است نه «دهم».

۳) «تسعة و سبعین» معادل «هفتاد و نه» است.

۴) «ثلاثاً و سبعین» معادل «هفتاد و سه» است.

۹۴ ۳ «هذا» در «هذا الضيف» به صورت «این مهمان» ترجمه می‌شود، ولی اسم اشاره در گزینه‌های «۱» و «۲» در جای درست خود

ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«مع هذا» به صورت «با این / با وجود این» ترجمه می‌شود، ولی در گزینه «۴» اسم اشاره ترجمه نشده است. [رد گزینه «۴»]

«بيت صديقه» ← «خانه دوستش / منزل دوستش» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«غير اعلان مسبق» ← «بدون اعلام قبلی» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«ذهب» ماضی ساده است و معنی «رفت» می‌دهد، ولی در سایر گزینه‌ها «شد / آمد / آمد» نادرست هستند؛ چون «ذهب» به معنای «رفت» است.

[رد سایر گزینه‌ها]

۹۵ ۱ بعد از «هذان»، اسم دارای «ال» داریم و به صورت مفرد «این» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«الشمك» مفرد است و معنی «ماهی» دارد. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«كلّ منهما» به صورت «هر یک از آنها» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۹۶ ۳ «آن راه سخت» ← «ذلك الطريق الصعب» [رد سایر گزینه‌ها] «پیش روی تو» ← «أمامك» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»] در این دو گزینه ترجمه نشده است.

«آن را طی کردی» ← «قطعته» [رد سایر گزینه‌ها]
«می فهمی» ← «تفهم» [رد گزینه «۲»]

۹۷ ۴ بعد از «هؤلاء»، اسم «ال» دار «الأمهات» آمده و به صورت مفرد «این» ترجمه می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) چون اسم «ال دار» بعد از «هؤلاء» آمده، پس اسم اشاره مفرد ترجمه می‌شود؛ یعنی «این».

۲) بعد از «أولئك»، اسم «ال دار» آمده، پس «أولئك» باید مفرد ترجمه شود؛ یعنی «آن»؛ ثانیاً «الجهال» معرفه است که نکره ترجمه شده است و ضمیر «ك» در «يستهنئونك» ترجمه نشده است؛ یعنی باید به صورت «تو را مسخره می‌کنند» ترجمه شود.

۳) «هذه» معنی «این» می‌دهد. / باسقة: بلند

۹۸ ۱ بعد از اسم اشاره، «الید» آمده که «ال» دارد، پس تابع است و جمله کامل نیست و نمی‌توان به صورت مبتدا و خبر یعنی به صورت مستقل «این دست است» ترجمه کرد و باید گفت: «این دست را»

اشتباهات متداول

اگر اسم بعد از اسم اشاره، «ال» داشته باشد، تابع است و نباید جمله را به صورت مستقل یعنی به شکل مبتدا و خبر ترجمه کنید: - هذه المحفظة في السوق ← این کیف در بازار است.

غیر مستقل

اگر اسم بعد از اسم اشاره، بدون «ال» باشد، «خبر» است و جمله را به صورت مستقل یعنی مبتدا و خبر ترجمه می‌کنیم که چون خبر از نوع «اسم» است، می‌تواند معرفه یا نکره ترجمه شود.

- هذه محفظة في السوق

این کیف است که در بازار است.

معرفه

این کیفی است که در بازار است.

نکره

بررسی سایر گزینه‌ها

۲) «یَد» نقش خبر دارد؛ پس به صورت نکره ترجمه می‌شود و «این دستی است...» درست می‌باشد.

۳) «هؤلاء» اسم اشاره بوده و اسم بعد از آن یعنی «المكرمون» دارای «ال» است و به صورت مفرد یعنی «این» ترجمه می‌شود و درست است.

۴) «هؤلاء» اسم اشاره است و اسم بعد از آن یعنی «مكرمون» بدون «ال» می‌باشد و به صورت جمع یعنی «این‌ها / اینان» ترجمه می‌شود که درست است.

۹۹ ۳ بعد از «أولئك»، اسم بدون «ال» یعنی «طالبات» آمده است و به صورت جمع یعنی «آنان / آنها» ترجمه می‌شود و نادرست است.

«طالبات مجتهدات» نیز ترکیب وصفی نکره است و به شکل «دانش‌آموزانی تلاشگر / دانش‌آموزان تلاشگری» ترجمه می‌شود.

۱۰۰ ۱ «هؤلاء» اسم اشاره جمع می‌باشد و بعد از «عقلاء» آمده که بدون «ال» است و در نتیجه اسم اشاره به صورت «این‌ها / اینان» ترجمه می‌شود و نادرست است.

ترجمه: این‌ها عاقلانی هستند که از باطل دوری می‌کنند.

بررسی سایر گزینه‌ها

۲) «هذا» مفرد است و به صورت «این» ترجمه می‌شود که درست است.
۳) «وأولئك» جمع است، ولی بعد از آن اسم «ال» دار «الأشخاص» آمده، پس اسم اشاره به صورت مفرد یعنی «آن» ترجمه می‌شود و درست است.
۴) «هذا» مفرد است و به صورت «این» ترجمه می‌شود.

۱۰۱ ۱ «كل + نكرة» به صورت «هر» ترجمه می‌شود؛ یعنی «كُل مكان: هر مکانی» [رد سایر گزینه‌ها]

«اكتساب العلم» ← «كسب علم» [رد سایر گزینه‌ها]

«أن + مضارع» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود؛ یعنی «أن يأخذوه» به صورت «آن را بگیرند» ترجمه می‌شود، ولی «أموختن / برگرفتن» مصدر است. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۱۰۲ ۳ بعد از «كُل»، اسم نداریم و به صورت «هر» ترجمه می‌شود؛ یعنی «كُلًّا من الألوان» به صورت «هر یک از رنگ‌ها» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«یختفی» معنی «پنهان می‌گردد» دارد که در گزینه «۱» ترجمه نشده و در گزینه «۲» به صورت اسم «مخفی» و در گزینه «۴»، «مخفی شده است» ماضی نقلی است. [رد سایر گزینه‌ها]

«أعماق البحر» ← «اعماق دریا» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«ظلمته» ← «تاریکی آن» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«قد أثبتت» به صورت ماضی نقلی «ثابت کرده‌اند / ثابت کرده است» ترجمه می‌شود، ولی «ثابت شده است» مجهول است. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۱۰۳ ۴ «كل + نكرة» به صورت «هر» ترجمه می‌شود؛ یعنی «كُل خلیة» به صورت «هر سلولی» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«تعمل» مضارع اخباری ← «انجام می‌دهد / انجام می‌دهند» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«انعكاس الضوء» ← «انعكاس نور» [رد گزینه «۱»] در این گزینه ترجمه نشده است.

«كُل خلیة من خلايا العين» به صورت «هر سلولی از سلول‌های چشم» ترجمه می‌شود که فقط در گزینه «۴» درست است. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۰۴ ۱ «كُل + نكرة» به صورت «هر» ترجمه می‌شود؛ یعنی «كُل إغراق» به صورت «هر زیاده روی / هر اغراقی» ترجمه می‌شود که فقط در گزینه «۱» درست است. [رد سایر گزینه‌ها]

«لِ» معنای «برای» دارد و «للحقیقة» به شکل «برای حقیقت» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«لا حياة تبقي» مضارع اخباری ← «هیچ حیاتی باقی نمی‌ماند» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۱۰۵ ۲ «كل + نكرة» به صورت «هر» ترجمه می‌شود؛ یعنی «كل عمل» به صورت «هر عملی» ترجمه می‌شود که در گزینه‌های «۱» و «۴» ترجمه نشده و در گزینه «۳» به صورت «همه» ترجمه شده است. [رد سایر گزینه‌ها]

«يُصَلِّي / يعبدون» هر دو مضارع اند و به صورت «نماز می خوانند / عبادت می کنند» ترجمه می شوند. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

۱۱۲ ۳ «میزانها الخاصة» ← «ویژگی های خاص خود» [رد سایر گزینه ها] «التعلّم» معنی «یادگیری» دارد و «ازدیاد قدرة التعلّم» ترکیب اضافی است و به صورت «رشد قدرت یادگیری / افزایش قدرت یادگیری» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۱» و «۴»]

۱۱۳ ۳ «مناطق بلادنا الشماليّة» ترکیب «اسم + مإلیه + مإلیه + صفت» است و به صورت «اسم + صفت + مإلیه + مإلیه» یعنی «مناطق شمالی کشورمان» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]

نکته | اگر اسمی دو تا «مإلیه» داشت که یکی «اسم» و دیگری «ضمیر» بود، ابتدا اسم و سپس ضمیر ترجمه می شود.



اگر اسمی دو تا «مإلیه» داشت که هر دو «اسم» بودند، آن مضاف إلیه ها را به همان ترتیبی که در عربی هست ترجمه می کنیم.



«جدّنا الحنون» ← «مادربزرگ مهربانمان» [رد گزینه «۴»]

«کان+ مضارع» ماضی استمراری ← «کُنّا تُسافر: مسافرت می کردیم» [رد سایر گزینه ها]

«کانت ترافقنا: ما را همراهی می کرد» ماضی استمراری [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«نا» در «تذکّرنا» فاعلی است و به صورت «به یاد آوردیم» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]

۱۱۴ ۳ «حیاته المحقّرة» ← «زندگی حقیرانه خود» [رد سایر گزینه ها] «قد+ انتخابها» به صورت «ماضی ساده / ماضی نقلی» ترجمه می شود، پس «پذیرفته / انتخاب خود اوست» معادل های مناسبی نیستند. [رد گزینه های «۱» و «۴»] و «ها» در انتهای آن مفعولی است و به صورت «آن را انتخاب کرده است» ترجمه می شود و این مقدمه ای است که گزینه «۲» نیز رد شود.

۱۱۵ ۲ «جانب الله» ترکیب اضافی است و به صورت «سوی خدا / جانب خدا» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۳» و «۴»]

در گزینه «۱» دو بار «دنیا» آمده که در عبارت عربی وجود ندارد. [رد گزینه «۱»] «حقیقة الأمر» ترکیب اضافی است و به صورت «حقیقت امر» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]

«امانت تسخیر شده / امانات تسخیر شده» در گزینه های «۳» و «۴» نادرست اند، چون «ودائع» و «مسخّرة» جدا به کار رفته اند و ترکیب وصفی نمی باشند. [رد گزینه های «۳» و «۴»]

۱۱۶ ۱ «صديقك المخلص» ← «دوست مخلص تو» [رد سایر گزینه ها] «این» در گزینه های «۲» و «۴» اضافه است و در عبارت عربی، اسم اشاره نداریم. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«أمرأ مستحیلاً» وصفی نکره ← «امر محالی / امری محال / کاری غیر ممکن / کار غیر ممکن» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۱» و «۳»]

«س+ مضارع» یعنی «سنجد» به صورت «مستقبل: خواهیم یافت» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۱» و «۳»]

«في النهاية» ← «در نهایت» [رد گزینه های «۱» و «۴»]

«عمل عظیم» وصفی نکره ← «کار بزرگی / کاری بزرگ / یک کار بزرگ» [رد سایر گزینه ها]

«بیدو» فعل شرط است و به صورت «مضارع التزامی: به نظر برسد» ترجمه می شود، ولی «به نظر می رسد / به نظر می آید» مضارع اخباری می باشد. [رد سایر گزینه ها]

۱۰۶ ۳ «هر لحظه ای» به صورت «کُلّ + نکره: کُلّ لحظه» می آید. [رد سایر گزینه ها]

«از عمر ما» ← «من عمرنا» [رد سایر گزینه ها]

«یفید / تساوي / یشبه» در سایر گزینه ها زائد هستند. [رد سایر گزینه ها]

۱۰۷ ۲ «كُلّ + ضمیر» یعنی «کُلّها» معنی «همه» می دهد.

بررسی سایر گزینه ها

۱) كل التّعلمات ← همه نعمت ها

۳) كلّ نعمات ← هر نعمتی

۴) من كلّ مکان ← از هر مکانی

۱۰۸ ۳ «فوائد النباتات الكثيرة» ترکیب «اسم + مإلیه + صفت» است که در فارسی به شکل «اسم + صفت + مإلیه» یعنی «فایده های بی شمار گیاهان / فواید بسیار گیاهان» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۱» و «۴»]

«أن لا نغضّ عیننا» مضارع التزامی منفی ← «چشم پوشی نکنیم» [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«وجود دارد» و «ساخته شده» در گزینه های «۱» و «۲» اضافه هستند و معادل عربی ندارند. [رد گزینه های «۱» و «۲»]

۱۰۹ ۴ «علم التغذية» ترکیب اضافی است و به صورت «علم تغذیه» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۱» و «۳»]

«الأمراض القلبیة» ترکیب وصفی است و به صورت «بیماری های قلبی» ترجمه می شود ولی «بیماری برای قلب» نادرست است. [رد گزینه «۳»]

«یُسبّب» مضارع اخباری ← «سبب می شود» [رد گزینه های «۲» و «۳»]

«تناول» ← «خوردن» [رد گزینه های «۲» و «۳»]

۱۱۰ ۱ «أعمالي الدراسيّة» ترکیب «اسم + مإلیه + صفت» هستند، پس باید با هم و به صورت «اسم+صفت+مإلیه» ترجمه شود و هر جزیی که اضافه یا کم ترجمه شود، نادرست است: «کارهای درسی خویش / امور درسی خویش» [رد گزینه های «۳» و «۴»]

«اليوم» معنی «امروز» می دهد که در گزینه های «۲» و «۳» ترجمه نشده است. [رد گزینه های «۲» و «۳»]

۱۱۱ ۱ «مسجد المدينة الكبير» ترکیب «اسم + مإلیه + صفت» است، پس باید به صورت «اسم + صفت + مإلیه» ترجمه شود؛ و به صورت «مسجد بزرگ شهر» صحیح است. [رد سایر گزینه ها]

«ثلاثة مرّة» ← «سه بار» [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«سبیل الرشاد» ← «راه هدایت» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «یکون» بعد از «أن» آمده و به صورت «مضارع التزامی: باشد» ترجمه می‌شود. [رد گزینه «۳»]
 «أن» روی «ینجیک» و «یرشدک» هم اثر می‌گذارد و انتهای آن‌ها «ک» آمده، که مفعولی است و به صورت «تو را نجات دهد»، «تو را ارشاد کند» و «تو را هدایت کند» ترجمه می‌شوند. [رد سایر گزینه‌ها]
 ۱۱۷ ۴ «ساعات قليلة» ترکیب وصفی است و باید با هم و به صورت «ساعات اندکی» ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]
 «الأبدان» ← «بدن‌ها» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»] در این دو گزینه ترجمه نشده است.
 «قمة حکومتها» ← «اوج حکم‌فرمایی خویش / اوج حکمرانی خود» [رد سایر گزینه‌ها]
 ۱۱۸ ۱ «قطرات الماء الصغيرة» ← «قطرات کوچک آب / قطره‌های کوچک آب» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 «الموجودة في الجو» ← «موجود در جو» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»] در این دو گزینه ترجمه نشده است.
 «يحدث» ← «مضارع اخباری» ← «به وجود می‌آورد» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 «نزل المطر» ← «بارش باران» [رد گزینه «۳»]
 ۱۱۹ ۲ «سما المعنوية» ترکیب اضافی است و به صورت «آسمان معنویت» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
 «لیس لها حد» ← «حد و مرزی ندارد» [رد سایر گزینه‌ها]
 «حمامة بيضاء» ← «نکره» ← «کبوتری سپید / کبوتر سپیدی / یک پرنده سپید» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
 ۱۲۰ ۳ «الفرص القليلة» ترکیب وصفی است و به صورت «فرصت‌های اندک» ترجمه می‌شود و در گزینه «۲»، «فرصت‌های کم ما» نادرست است و «ما» اضافه می‌باشد و در دو گزینه دیگر نیز درست ترجمه نشده است. [رد سایر گزینه‌ها]
 «حياتنا» ← «زندگی ما» [رد گزینه «۲»]
 «ه» در «لا بصدية» مفعولی است و چون «إلا» ادات حصر است، می‌توان جمله را با «فقط» و به صورت «مثبت» یعنی «آن را شکار می‌کند» ترجمه کرد. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 «صيد» ← «نکره» ← «صیدی / شکاری» [رد گزینه «۴»]
 ۱۲۱ ۴ «شجرات حديقتنا» ترکیب وصفی اضافی است و به صورت «درختان باغ ما» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 به هیچ عنوان «شؤونها کثیر» را ترکیب وصفی اضافی نگیرید؛ چرا که اگر قرار بود ترکیب وصفی اضافی باشد، باید به شکل «شؤونها الكثيرة» به کار می‌رفت؛ در نتیجه «کثیر» خبر است و در کل به صورت «رسیدگی ما به کارهای آن زیاد است» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «غصون نضرة» ترکیب وصفی نکره است و معنی «شاخه‌های تر و تازه‌ای / شاخه‌هایی تر و تازه می‌دهد». [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 ۱۲۲ ۳ «مكتبة كبيرة» ترکیب وصفی نکره است و به صورت «کتابخانه بزرگی / کتابخانه‌ای بزرگ» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«ما كان لي» به صورت «نداشتم» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
 «أكثر من مائة كتاب» ← «بیش از صد کتاب» [رد گزینه «۱»]
 ۱۲۳ ۳ دقت کنید که «تصليح الوسائل الكهربائية» ترکیب «اسم + مضاف إليه + صفت» نیست، چون در اصل «الوسائل» مضاف إليه برای «تصليح» و «الكهربائية» صفت «الوسائل» است و به صورت «تعمیر وسایل برقی» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
 «استرجعت» معنی «پس گرفتم» می‌دهد. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «حاسوبي» معنی «کامپیوترم» می‌دهد. [رد گزینه «۲»]
 «من الذكان» معنی «از مغازه‌ای» می‌دهد. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 ۱۲۴ ۴ «رنگ زیبای اتاق تو» ترکیب «اسم + صفت + م‌إليه + م‌إليه» است که در عربی به شکل «اسم + م‌إليه + م‌إليه + صفت» یعنی «لون غرفتك الجميل» می‌آید. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 «انسان» ← «الإنسان» - «الفرد» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «فكر كده‌ای» معادل ماضی نقلی است که ماضی ساده هم می‌تواند باشد، پس «فكرت» درست است، ولی «تفكرت» به صورت مضارع اخباری و «كنت تفكرت» به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شوند. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 ۱۲۵ ۱ «همت زیادی» ← «همة كثيرة» - «همتک الكثيرة» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 «اهداف عالية تو» ← «غایاتک السامية / أهدافك السامية / غایاتك القيمة» [رد گزینه «۲»]
 «صرفشان کنی» معادل «مضارع التزامی» است؛ پس «أن تبدل / أن تخرج» که ترکیب «أن + مضارع» هستند، می‌توانند درست باشند. [رد گزینه «۳»]
 ۱۲۶ ۳ «نسل انقلابی ما» ← «جيلنا الثوري» [رد سایر گزینه‌ها]
 «فرهنگ بیگانه» ← «الثقافة الأجنبية» ← «وصفی مفرد» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 «تقلید نخواهد کرد» ← «مستقبل منفي» ← «لن يحاكي» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «اعتماد می‌کند» ← «مضارع اخباری» ← «يعتمد» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «خود» ← «مفرد» ← «أنفسهم» [رد سایر گزینه‌ها]
 ۱۲۷ ۱ «عصر کنونی ما» ← «صفت م‌إليه» ← «عصرنا الحاضر» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 زمینه‌های مختلف اجتماعی ← المجالات الاجتماعية المختلفة [رد سایر گزینه‌ها]
 «ابتکارهایی» ← «نکره» ← «إبداعات» - «الإبداعات» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 ۱۲۸ ۳ «حياتهم المثمرة» به صورت «زندگی ثمربخش خود» ترجمه می‌شود.
 بررسی سایر گزینه‌ها
 ۱) در ترجمه لای نفی جنس از «هیچ» استفاده می‌کنیم: «هیچ شکی نیست...»
 «القيم الإنسانية العالية» ← ارزش‌های والای انسانی
 ۲) «الطلاب المجدین»: ترکیب وصفی است و به شکل «دانش‌آموزان تلاشگر» ترجمه می‌شود نه به صورت فعل «دانش‌آموزانی را که تلاش‌کنند...».
 ۴) «النعم الإلهية»: ترکیب وصفی است و به شکل «نعمت‌های الهی» ترجمه می‌شود نه به صورت فعل «نعمت‌هایی که الهی است...».

۱۲۹ ۳ «باحثین» حال است و به هیچ عنوان نباید به صورت صفت «دانشمندان پژوهشگر» ترجمه شود و به شکل «پژوهشگرانه = در حال پژوهش» ترجمه می‌شود.

۱۳۰ ۳ «جیداً» حال است و به درستی به صورت «به خوبی» ترجمه شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «مواظظ قیمة» ترکیب وصفی است و به اشتباه به صورت حال «به گونه‌ای ارزشمند» ترجمه شده و درست آن «پندهای ارزشمندی» است.

۲) «مسرویین» حال است و باید به شکل «با خوشحالی» ترجمه شود.

۴) «الشهر الأخير» ترکیب وصفی است و «أخيراً» نادرست می‌باشد، چون به صورت حال ترجمه شده و درست آن «ماه اخیر» است. / «من بداية: از آغاز»

۱۳۱ ۳ «تلمیذ» یک بار به صورت نکره آمده و بار دوم با «ال» آمده که به صورت اسم اشاره «آن» ترجمه می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «الکبیر» صفت برای «السّد» است نه «المدینة» و به شکل «سد بزرگ» درست است.

۲) «جمیلة» صفت نیست، بلکه «خبر» می‌باشد و به صورت «این درختان، زیبا و جدید هستند» صحیح است.

۴) «الأسبوع الماضي» ترکیب وصفی معرفه است و باید به شکل «هفته گذشته» ترجمه شود.

۱۳۲ ۱ «العالمة الكبيرة» ترکیب وصفی است و ترجمه صحیح آن «دانشمند بزرگ» است. [رد گزینه «۳»]

«حتماً» در گزینه «۲» و «هیچ» در گزینه «۴» زائد هستند. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۱۳۳ ۱ «التّواب» اسم مبالغه است و به معنی «تواب / بسیار توبه پذیر» است. [رد سایر گزینه‌ها]

«تلقی» فعل ماضی است، پس «می‌آموزد» نادرست می‌باشد. [رد گزینه «۴»]

«رَبّه» ← «پروردگارش» [رد سایر گزینه‌ها]

«تاب: توبه کرد» فعل ماضی است، پس «عفو می‌کند» نادرست می‌باشد. [رد گزینه «۴»]

در گزینه «۲» عبارت «به درگاه خدا توبه کرد.» نادرست است. [رد گزینه «۲»]

۱۳۴ ۴ «لا ینجح: موفق نمی‌شود» فعل «مضارع منفی» است. [رد

سایر گزینه‌ها]

«حیاته» به صورت «حیاتش / حیات خود» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«مُجْتَهِدًا / مُقَدِّمًا» اسم فاعل و به ترتیب معنی «کوشا/ تلاشگر» و «پیشرو / پیشتاز» می‌دهد. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۱۳۵ ۴ «مُتَوَكِّلِينَ» اسم فاعل است و به صورت «توکل کننده / متوکل» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«مُعْتَمِدِينَ» اسم فاعل است و به صورت «اعتماد کننده» ترجمه می‌شود. [رد گزینه «۱»]

«وَجِدْتُ» فعل ماضی متکلم وحده است و به صورت «یافتم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«رَبِّهِمْ» و «قَدَرَاتِهِمْ» به صورت «پروردگارشان / پروردگار خود» و «توانایی‌هایشان / توانایی‌های خود» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۳۶ ۲ «مَهْدِدَات» اسم فاعل است و معنی «تهدید کننده» می‌دهد.

[رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«نظافة: نظافت / تمیز کردن» [رد گزینه «۴»]

«اهتماماً» مفعول مطلق است و «بالغاً» صفت مفرد آن می‌باشد و به صورت «بسیار توجه کنید / توجه بسیار کنید» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۳۷ ۱ «أدنی» اسم تفضیل است و باید به شکل تفضیلی «نزدیک‌تر / نزدیک‌ترین» ترجمه شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«الأرض» مفرد است و به صورت «زمین / سرزمین» ترجمه می‌شود؛ پس «سرزمین‌ها» نادرست است. [رد گزینه «۴»]

ضمیر «هم» در «غلبهم» باید ترجمه شود و ترجمه آن می‌شود «آنها / ایشان»؛ پس ترکیب «غلبهم» به صورت «شکست آن‌ها یا مغلوب شدنشان»

ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«الزّوم» به معنای کشور «روم» است، نه «مردم روم»؛ پس «رومیان» نادرست می‌باشد. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«عُلبت» مجهول است و به صورت «مغلوب شد» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۳۸ ۳ «رَبِّ» ضمیر «ه» ندارد، پس «پروردگارش» نادرست است. [رد گزینه «۲»]

«أُحِبُّ» در اینجا اسم تفضیل است؛ در نتیجه معنی «دوست‌داشتنی‌تر / محبوب‌تر» می‌دهد. [رد سایر گزینه‌ها]

«یدعون» فعل مضارع است و ضمیر مفعولی «ی» هم دارد و به صورت «مرا دعوت می‌کنند» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«إِلَیَّ» ترکیب «إِلَیَّ+ی» است و «ی» مربوط به متکلم وحده است و به صورت «نزد من» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

۱۳۹ ۲ «أحسن: نیکوتر / بهتر» اسم تفضیل است و به شکل تفضیلی ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«رَبِّكَ» به صورت «پروردگارت / پروردگار تو» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«أعلم» اسم تفضیل است و باید به شکل تفضیلی ترجمه شود؛ یعنی «داناتر». [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«سبیله: از راه او» در گزینه «۳» ترجمه نشده است. [رد گزینه «۳»]

۱۴۰ ۳ «الأفضل» اسم تفضیل است و به صورت «بهتر» ترجمه می‌شود، ولی در گزینه «۱» ترجمه نشده است و در گزینه «۲»، «خوب» نادرست می‌باشد. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«للطالب» ← «برای دانش‌آموز» [رد سایر گزینه‌ها]

«المستقبل» ← «آینده» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«أن ینتخب» ← «انتخاب کند» [رد گزینه «۲»]

۱۴۱ ۲ «أصبر» اسم تفضیل است و می‌تواند به صورت «صبورتر / صبورتین» ترجمه شود، ولی چون بعد از آن «مِن» آمده است، به صورت «صبورتر» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

نکته | در ترجمه اسم تفضیل دقت کنید که می‌تواند به صورت‌های «برتر» و «عالی» ترجمه شوند که اگر بعد از آن‌ها «مِن» باشد، به صورت «برتر» و اگر بعد از آن‌ها «مُضَافِ إِلَيْهِ» باشد، به صورت «برترین» ترجمه می‌شوند. و هم‌چنین اگر «مِن» قبل از اسم تفضیل بیاید، به صورت «برترین» ترجمه می‌شود.



«ثَقَبًا» نکره ← «سوراخی» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 «أصلب» اسم تفضیل است و می‌تواند به صورت «سخت‌ترین» ترجمه شود، ولی «سخت» نادرست است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «الأحجار» جمع ← «سنگ‌ها/ صخره‌ها» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
 «المقاومة» ← «مقاومت» - «مقاومت» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
 ۱۴۲ ۴ «أعجب» اسم تفضیل است و به صورت «شگفت‌ترین / عجیب‌ترین» درست می‌باشد، ولی «عجیبی / شگفت‌آوری» نادرست‌اند. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«صیدها» ← «صیدش / صید خود» [رد سایر گزینه‌ها]
 «أن + مضارع» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود، یعنی «أن تأكل: بخورد»، ولی در گزینه‌های «۲» و «۳» به صورت «خوردن» ترجمه شده است. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۱۴۳ ۲ «سعادتمندترین» اسم تفضیل است؛ و به صورت «أسعد» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «نعمتی» مفرد و نکره است [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]؛ چون «النعمه» معرفه است.

«نفسه» معنی «خودش / خود او» می‌دهد، ولی در عبارت فارسی، چنین کلمه‌ای نیست. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 «لحظه» مفرد است، پس «لحظات» نادرست می‌باشد. [رد گزینه «۴»]
 ۱۴۴ ۱ «مفیدتر» اسم تفضیل است و به صورت «أنفع» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«از امروز» ← «من الیوم» [رد گزینه «۴»]
 «می‌توانستم» ماضی استمراری است و می‌دانید که وقتی «لیت» و «کان» با هم باشند، «لیت» بی‌اثر شده و در اصل «کان» داریم، پس «لیتینی کنت أستطیع / لیتینی کنت أقدر» که در واقع «کنت أستطیع / کنت أقدر» هستند، درست می‌باشد، ولی «لیتینی آرید» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود و «إني قادر» هم اسم است. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۱۴۵ ۳ «سخت‌تر» ← «أصلب» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «زندگی خود» ← «حیاتی» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 «صخره‌ها» جمع ← «الصخور» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
 «باید سعی کنم» ← «لأجتهد / علیّ أن أجتهد» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

۱۴۶ ۳ «آسان‌ترین» ← «أسهل» [رد سایر گزینه‌ها]
 «معلمان» جمع ← «المعلمات / المعلمین» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 «جمیع» در گزینه «۴» زائد است. [رد گزینه «۴»]
 «تلاش» ← «سعی، محاولة» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 ۱۴۷ ۴ در این گزینه هیچ اشتباهی دیده نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «مُحَقَّرًا» اسم مفعول است؛ پس به صورت «تحقیر شده» ترجمه می‌شود، نه «تحقیر کننده». / «عند: نزد / در میان»
 ۲) ضمیر «هم» در «رئهم» باید ترجمه شود، پس به صورت «پروردگارشان / پروردگار خود» ترجمه می‌شود.
 ۳) «مُعْتَمَدًا» اسم مفعول است، پس باید بگوییم «مورد اعتماد/مورد اعتماد واقع شده» و در ضمن «عند» به معنای «نزد» است پس «عند النَّاسِ» به صورت «نزد مردم» ترجمه می‌شود. / «رجل: مردی»

جمع‌بندی طوری

خیلی خیلی حواستان باشد! چرا که در اسم‌های فاعل و مفعول با یک «ب» و «ک» حالت عوض می‌شود، دقت کنید که به خصوص در تست‌های تعریب، سوالات سختی می‌تواند مطرح شود:

اسم فاعل	نده / ا بیم دهنده - دانا	فاعل مُ... مِ
اسم مفعول	شده یاری شده	مفعول مُ... مِ
اسم مبالغه	بسیار بسیار آمرزنده	فَعَال فَعَالَة

۱۴۸ ۴ در این گزینه اشتباهی دیده نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «جرم کننده» اسم فاعل است و «المُجْرِم» نادرست می‌باشد و باید به صورت «المُجْرِم» بیاید.
 ۲) «تغییر دهنده» اسم فاعل است، پس «مُبْدِل» درست است، ولی ترکیب «کلمات خدا» به صورت «کلمات الله» تعریب می‌شود.
 ۳) «مورد اعتماد» اسم مفعول می‌باشد و «مُعْتَمِد» نادرست بوده و «مُعْتَمَد» درست است. / «دوستان» و «نزدیکان» ضمیر ندارند و به شکل «الأصدقاء» و «الأقرباء» تعریب می‌شود.
 ۱۴۹ ۳ در اینجا «پیشرو» اسم فاعل است، پس «المُتَقَدِّم» کاملاً درست می‌باشد و در این گزینه اشتباهی یافت نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «بشارت دهنده» و «انذار دهنده» هر دو اسم فاعل هستند، پس به صورت «مُبَشِّرًا» و «مُنذِرًا» تعریب می‌شوند.
 ۲) «ضعیف شدگان» اسم مفعول می‌باشد، پس «المُسْتَضْعِفُونَ» نادرست است و به صورت «المُسْتَضْعَفُونَ» تعریب می‌شود.

«لم+ مضارع» به صورت «ماضي ساده منفي» ترجمه می شود: «لم يدافع: دفاع نکرده باشد» [رد گزینه های «۱» و «۲»]

«وطنه» ← «وطن خود / وطن خویش» [رد گزینه های «۱» و «۴»]

«الحرب المفروضة» ← «جنگ تحمیلی» [رد سایر گزینه ها]

۱۵۴ ۳ «لا» بر سر «أثر» نفي جنس است و به صورت «هیچ تأثیری ندارد» ترجمه می شود. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«أن+ مضارع» یعنی «أن نعلم» به صورت «مضارع التزامی: بدانیم» ترجمه می شود، که در گزینه «۱» ترجمه نشده و در گزینه «۴»، «می دانیم» نادرست است. [رد گزینه های «۱» و «۴»]

«الهدوء» ← «آرامش» [رد گزینه های «۱» و «۴»]

۱۵۵ ۱ «لا» بر سر «شيء» نفي جنس است و در ترجمه آن «هیچ» می آید. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«ليشجعنا» به صورت «مضارع التزامی: تشويق کند» ترجمه می شود، ولی «ترغیب کرده باشد» مجهول است. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«أحسن» خبر است و به صورت «هیچ چیزی بهتر از... نیست» ترجمه می شود، ولی در گزینه «۳» و «۴» به شکل نادرست ترجمه شده اند.

۱۵۶ ۱ «لا» بر سر «طاقة» نفي جنس است و در ترجمه آن «هیچ» می آید. [رد گزینه های «۲» و «۳»]

«صبرنا» ← «صبر ما» [رد گزینه «۳»]; ضمير ترجمه نشده است. «طاقة» ضمير ندارد، پس «طافتش / توان آن ها / طاقت آن» نادرست هستند. [رد سایر گزینه ها]

«يزيد» مضارع اخباری ← «می افزاید» [رد گزینه های «۲» و «۳»]

۱۵۷ ۲ دقت کنید که «لا» بر سر «بيع / حلة / شفاعة» نفي جنس نیست، چون اسم بعد از آن ها ضمه «ت» دارد، پس در ترجمه «هیچ» وجود ندارد. [رد گزینه های «۱» و «۳»]

«مما» ← «من + ما: از آن چه» [رد گزینه «۳»]; «چیزهایی» جمع است. «رزقناکم» ماضی است و به صورت «روزی دادیم شما را / روزیتان دادیم» ترجمه می شود، ولی «روزی می دهیم / روزی شما قرار می دهیم» مضارع اند. [رد گزینه های «۱» و «۴»]

«يوم» نکره ← «روزی / یک روز» [رد گزینه های «۳» و «۴»]

۱۵۸ ۱ در ترجمه لای نفي جنس «هیچ» می آید و «لیست» نادرست است. [رد گزینه های «۲» و «۳»]

«ارزشی» مفرد و نکره است. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«استفاده نمی شود» مضارع اخباری منفي است و به شکل «لا استفاد» درست است. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

«علمی» نکره است و «للعلم: ل+ العلم» نادرست است. [رد گزینه های «۲» و «۴»]

۱۵۹ ۳ «لا» بر سر «شك»؛ «لای نفي جنس» است و به صورت «هیچ... نیست» ترجمه می شود؛ یعنی «لا شك» را باید به صورت «هیچ شکی» ترجمه کنیم که درست ترجمه شده است و در این گزینه ایرادی دیده نمی شود.

۴ «فراگیرندگان» یعنی «کسانی که فرا می گیرند» حالت انجام کاری را نشان می دهد، پس اسم فاعل می باشد؛ یعنی «المُتَعَلِّمِينَ» نادرست است و باید به صورت «المُتَعَلِّمِينَ» تعريب شود.

۱۵۰ ۲ «خير» در اینجا اسم تفضیل است و معنای «بهترین» می دهد و درست است.

بررسی سایر گزینه ها

۱) قبل از «أخطر»، «من: از» آمده، در نتیجه صفت برترین است و به صورت «از خطرناک ترین / پر خطرترین» ترجمه می شود.

۳) «أفضل» به صورت «برترین/بهترین» ترجمه می شود که درست است، ولی «طریق» مفرد می باشد و معنی «راه» می دهد. / «ل: برای» در ترجمه نیامده است.

۴) «خير» در اینجا اسم تفضیل نیست: «چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، در حالی که آن برای شما خوب است»

اشتباهات متداول

خیلی خیلی حواستان به «خير» و «شَر» باشد، چون ممکن است اسم تفضیل باشند یا نباشند و باید از شرایط جمله تشخیص دهید، پس هر جا آن ها را دیدید، سریع به صورت تفضیلی ترجمه نکنید.

۱۵۱ ۴ «خير» اسم تفضیل است و معنای «بهترین» می دهد و درست است.

بررسی سایر گزینه ها

۱) «أقوم» اسم تفضیل است و به صورت «پایدارتر / پایدارترین» ترجمه می شود که در اینجا «پایدارتر» درست است.

۲) «أحب» و «أنفع» اسم تفضیل اند و به صورت «دوست داشتنی ترین» و «سودمندترین» ترجمه می شوند.

۳) «خطر محققم» ترکیب اضافی است و به صورت «خطر حماقتشان / آنها» ترجمه می شود، «الفجاری» نیز ترجمه نشده و معنی «بدکاران» می دهد.

۱۵۲ ۲ «لا» بر سر «شك» نفي جنس است و می دانید که لای نفي جنس، معمولاً به صورت «هیچ... نیست» ترجمه می شود، ولی چون در هیچ گزینه ای «هیچ» دیده نمی شود، پس سؤال را از راه دیگری حل می کنیم.

نکته! دقت کنید که این سؤال طراحی من نیست، بلکه سؤال کنکور است، با اینکه متن کتاب شما صراحتاً اشاره می کند که در ترجمه «لا نفي جنس»، «هیچ» می آید، ولی در شرایطی می توان «هیچ» نیاورد به شرطی که گزینه درست تری وجود داشته باشد.

مثلاً «لا شك» و «لا عيب» و ... را می توان به صورت های «شکی نیست» و «عیبی نیست» و ... ترجمه کرد، ولی بهتر است «هیچ» بیاید.

«تُبعد» مضارع اخباری ← «دور می کند» [رد گزینه های «۳» و «۴»]; دقت کنید «تُبعد» مضارع باب «إفعال» است، ولی «دور می شوند» مجهول می باشد.

«التحلل» مفرد ← «بی بند و باری» [رد گزینه های «۳» و «۴»]

«زخرف الدنيا» ← «زرو زیور دنیا» [رد گزینه های «۱» و «۴»]

«القيم الإنسانية العالیة» ← «ارزش های انسانی والا» [رد گزینه «۱»]

۱۵۳ ۳ «لا» بر سر «شَاب» نفي جنس است و به صورت «هیچ... نیست» یعنی «هیچ جوانی نیست» ترجمه می شود. [رد سایر گزینه ها]

۱) «لا» بر سر «ناجح»؛ «لای نفی جنس» است و به صورت «هیچ...نیست» ترجمه می‌شود؛ یعنی «لا ناجح» را باید به صورت «هیچ پیروزی» ترجمه کنیم و معنی کلی عبارت می‌شود: «هیچ پیروزی در زندگی‌اش سستی نمی‌کند.»

۲) اینجا «لا» بر سر فعل آمده که می‌تواند نفی یا نهی باشد که اینجا نهی است، ولی در هر دو حالت هیچ کدام در ترجمه‌شان به «هیچ» نیاز ندارند، فقط «لای نفی جنس» در ترجمه‌اش «هیچ» می‌خواهد؛ پس معنی درست عبارت می‌شود: «بر مصیبتی که به تو رسیده است، غم مخور.»

۴) «عمقه» معنای «عمق آن / ش» می‌دهد، ولی «عمیقاً» غلط است و معنی درست عبارت می‌شود: «اندیشه‌ای را که عمق آن را درک نمی‌کنی، قبول مکن.»

۱۶۰ | ۱ «لا» در تمامی گزینه‌ها معنی «هیچ» می‌دهد و نفی جنس است، پس «لا ینفذ / لا أعرف» نادرست‌اند؛ چون بر سر فعل آمده‌اند. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

در گزینه «۲»، «ارزش» و «علم» مفرد هستند، ولی «قیم» و «علوم» جمع است. [رد گزینه «۲»]

۱۶۱ | ۳ «آمین» حال است، پس به صورت «با امنیّت / در امن و امان» ترجمه می‌شود؛ دقت کنید که در ترجمه‌ی حال مفرد، معمولاً «درحالی‌که» نمی‌آید؛ چون «درحالی‌که» در ترجمه «حال جمله» می‌آید. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«لیالی و آیاماً» معنی «شب‌هایی و روزهایی» می‌دهد، چون نکره هستند. [رد سایر گزینه‌ها]

به «فیها» که بعد از «سیروا» آمده است دقت کنید که آن هم به صورت «در آن» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

۱۶۲ | ۳ «و هم یعیشون» جمله «حالیه» است، پس در ترجمه آن «در حالی‌که» می‌آید و قبل از آن «رأیْتُ» آمده که ماضی است و در نتیجه جمله حالیه به صورت «ماضی استمراری: در حالی‌که زندگی می‌کردند» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«دموعی» جمع است و به صورت «اشک‌هاییم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«جَرَت» فعل ماضی است و به صورت «جاری شد» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

ترکیب «لم+مضارع» به صورت «ماضی ساده منفی / ماضی نقلی منفی» یعنی به صورت «تسلیم نشدند» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۱۶۳ | ۴ «حیّة» حال است و صفت نمی‌باشد، چون نکره است و به صورت «زنده» ترجمه می‌شود، «فرائس» نیز معرفه به اضافه است ولی گزینه‌هایی که «فرائسها حیّة» را ترکیب وصفی گرفته و آن را به صورت موصوف / صفت یعنی «شکارهای زنده‌اش» ترجمه کرده‌اند، رد می‌شوند. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«فرائسها: شکارهایش» [رد گزینه «۲»]

«تُجِبُّ: دوست دارد» [رد گزینه «۳»]

۱۶۴ | ۱ «معتماً» حال است و «معتماً علی نفسی» به شکل «با اعتماد بر خویشتن / با اعتماد بر نفس خویش» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«حیاتی» ← «زندگی‌ام / زندگی خود» [رد گزینه «۴»]
 «أبدأ» ← «هرگز» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»] در این دو گزینه ترجمه نشده است. «واجهت» برای متکلم وحده است، پس «مواجه شدم / برخورد کردم» درست است، ولی «برخورد کرد / مواجه شد» برای «للاغائبه» می‌باشد و نادرست است. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«أن+مضارع» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود، پس «أن أبعد» به صورت «دور کنم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]؛ «دور ساختن» در دو گزینه دیگر مصدر است و فعل نمی‌باشد.

۱۶۵ | ۱ «یسرعون» به «رجال» برمی‌گردد که معرفه است، در نتیجه «یسرعون» جمله حالیه است و قبل از آن «شاهدت» داریم که ماضی است، پس جمله حالیه به صورت «ماضی استمراری: می‌رفتند» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«أن یطفئوا النار» به صورت «آتش را خاموش کنند» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۱۶۶ | ۱ «هوناً» حال مفرد است و به صورت «به آرامی / به سادگی» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«کره» در گزینه‌های «۳» و «۴» زائد است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «عباد الرّحمن» ← «بندگان رحمان» [رد سایر گزینه‌ها] در این دو گزینه لفظ «خداوند» زائد است.

«الذّین» ← «کسانی که» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
 ۱۶۷ | ۱ «خالدین» حال است و به صورت «در حالی‌که در آن جاویدان هستند» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«جَنَات» ^{نکره} ← «باغ‌هایی / بوستان‌هایی» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «الأنهار» ^{معرفه} ← «نهرها / رودخانه‌ها» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«أعدّ» ماضی است، پس «آماده می‌کند» نادرست می‌باشد. [رد گزینه «۲»]
 ۱۶۸ | ۲ «أنتم الأعلى» جمله حالیه است و در ترجمه آن «درحالی‌که» می‌آید، یعنی فقط گزینه «۲» درست است. [رد سایر گزینه‌ها]

«لا تهنوا» ^{نهی} ← «سستی نکنید / سست مشوید» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «لا تحزنوا» ^{نهی} ← «غمگین مشوید / غم مخورید» [رد گزینه «۳»]

۱۶۹ | ۴ «هم راکعون» جمله حالیه است و به صورت «درحالی‌که در رکوع هستند» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«الذّین» ← «کسانی که» [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]
 «الزّکاة» ضمیر ندارد، پس «زکات خود» نادرست است. [رد گزینه «۳»]

۱۷۰ | ۲ «هو یدکر» جمله حالیه است و در ترجمه آن باید «درحالی‌که» بیاید. [رد سایر گزینه‌ها]

«الطالب الناجح» ترکیب وصفی است و به صورت «دانش‌آموز موفق» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

«کان یُحصی» معنی «ماضی استمراری: می‌شمرد» می‌دهد. [رد گزینه «۴»]
 «مشاکل» جمع و نکره است و معنی «مشکلاتی» می‌دهد. [رد گزینه «۴»]

۱۷۹ | ۴ «الطفل الباكي» ترکیب وصفی است و به صورت «کودک گریان» ترجمه می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «طفلاً باکیاً» ترکیب وصفی است، چون هر دو نکره و مذکر هستند و به صورت «کودکی گریان» ترجمه می‌شود، اما در عبارت به اشتباه به صورت حال ترجمه شده است. / رأینا: دیدیم

۲) چون «الطفل» و «باکیاً» از نظر معرفه نکره بودن با هم منطبق نیستند، «باکیاً» حال است و به صورت «کودک را گریان / در حالی که گریان بود» صحیح می‌باشد.

۳) «بالٍ» خبر برای «الطفل» است و به صورت حال ترجمه شده و درست آن «بچه در جشن گریان است ...» است.

اشتباهات متداول

برای بار هزارم می‌گوییم که حواستان باشد حال و صفت و خبر را با هم اشتباه نگیرید، و آن‌ها را اشتباه ترجمه نکنید.

طفلاً باکیاً

چون «طفلاً» و «باکیاً» از نظر نکره بودن و جنس با هم منطبق‌اند، ترکیب وصفی هستند و به صورت «کودک گریانی / کودکی گریان / یک دانش‌آموز گریان» ترجمه می‌شود.

رأیتُ الطفل باکیاً

«باکیاً» حال است، چون «الطفل» معرفه و «باکیاً» نکره است و باید به صورت حال ترجمه شود: «طفل را گریان دیدم / طفل را دیدم، در حالی که گریان است.»

الطفل باکی!

جمله اسمیه است و «باکی» خبر برای «الطفل» می‌باشد: «طفل گریان است.»

۱۸۰ | ۳ «دؤوبین» حال برای «الموظفین: کارمندان» بوده و در جای خود ترجمه شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «میتسماً» حال برای «رسول» است و به اشتباه برای «التاس» به کار برده شده است: «مردم رسول الله را دیدند، در حالی که به کودکان می‌خندیدند!»
۲) «مُبشِّرین» حال برای «الأنبياء» بوده و به صورت «پیامبرانی بشارت‌دهنده» ترجمه می‌شود.

۴) «مسئولین» حال برای ضمیر «نا» می‌باشد: «ما به مؤمنان مسئولانه در تأمین معاش خانواده‌هایشان، کمک کردیم.»

۱۸۱ | ۳ «موت» با ضمیر متصل «هم» به صورت «مرگشان، وفاتشان» ترجمه می‌شود. [رد گزینه «۲»] «بعد» مستثنی است و عبارت «مَنْ لَا يُعرفون إِلَّا بعد موتهم» به دو شیوه ترجمه می‌شود:

منفی: کسانی هستند که شناخته نمی‌شوند، مگر بعد از وفاتشان
مثبت: کسانی هستند که فقط بعد از وفاتشان شناخته می‌شوند.

فقط گزینه «۳» این عبارت را به صورت صحیح ترجمه کرده است. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۷۱ | ۲ «غریباً» حال است و به صورت «به طور غریبی» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«یُدافع» مضارع است و به صورت «دفاع می‌کند» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«عقله» به صورت «عقل او / عقلش» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
«هذا السَّلاح» معنی «این سلاح» می‌دهد. [رد گزینه «۱»]

۱۷۲ | ۱ «در حالی که ... پایبند بودند» جمله حالیه است، ولی گزینه «۱» درست نیست، چون «و» مستقیماً بر سر فعل «یلتزمون» آمده است.

۱۷۳ | ۱ «متأخِّرین» حال برای ضمیر «تما» در «جئتما» است که در اصل به «أتما» بر می‌گردد و باید به صورت «شما دیر آمدید» ترجمه شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«الضيوف: مهمانان» [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

۱۷۴ | ۴ «سجده کنان» حال است و به «بندگان: العباد» بر می‌گردد که «جمع مکسر و مذکر» است، پس حال باید با آن مطابق باشد و به شکل «ساجدین» بیاید. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«چهره‌ها» ← «وجوه» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«مسلط مکن» فعل نهی است و به صورت «لا تُسيطر» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

۱۷۵ | ۱ در ترجمه جمله حالیه «درحالی که» می‌آید، پس «در حالی که می‌خندیدند» به صورت «و الطیور تضحك» می‌آید، ولی «ضاحکة» حال مفرد است و در ترجمه آن «در حالی که» نمی‌آید. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«مباهات می‌کرد» ماضی استمراری است و به شکل «کان+ مضارع» یعنی «کانت تفتخر» تعریب می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

«جاذبه خود» ← «جاذبیتها» [رد سایر گزینه‌ها]

۱۷۶ | ۲ «ملتسانه» حال است و به صورت «ملتسمین» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«سلامتی کامل» وصفی معرفه ← «الصحة الكاملة» [رد سایر گزینه‌ها]

در عبارت فارسی «در» نداریم، پس «فی» در گزینه‌های «۳» و «۴» اضافه است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

۱۷۷ | ۱ «دانشنامه» مبتدا و «فرهنگ» خبر است و به صورت «الموسوعة المعجم» باید باشد و در سایر گزینه‌ها به صورت ترکیب وصفی آمده‌اند و نادرست هستند؛ یعنی تمام ترکیب‌های «موسوعة صغيرة / الموسوعة المعجم / الموسوعة الصغيرة» نادرست‌اند. [رد سایر گزینه‌ها]

«تعداد اندکی از علوم: قليلاً من العلوم» [رد سایر گزینه‌ها]

۱۷۸ | ۲

بررسی سایر گزینه‌ها

۱) «معلماً مسروراً» ترکیب وصفی است نه حال و به صورت «معلمی شادمان» ترجمه می‌شود. / «و هو یجیب: در حالی که به سؤالات ... پاسخ می‌داد»

۳) «یکتب» جمله حالیه است به صورت «ماضی استمراری: می‌نوشت» ترجمه می‌شود، چون مضارع است و قبل از آن فعل ماضی «دعوت» آمده است.

۴) «مبتسمة» حال برای «أم» است نه «الولد».

ترجمه: فرزند به مادرش در حالی که خندان است، کمک می‌کند.

۳) «إِبْلِيسُ» از «كَلٌّ» جدا شده و مستثنی منه موجود می‌باشد و «فقط» نادرست است.

۴) در این گزینه «لا»ی نفی جنس نداریم، که کلمه «هیچ» بیاوریم.
 ۱۸۹ ۲ برای ترجمه مفعول مطلق تأکیدی از قیدهای «حتماً / یقیناً / بی شک / بدون تردید و ...» کمک می‌گیریم، در اینجا «تکلیماً» مفعول مطلق تأکیدی است، پس به صورت «حتماً / یقیناً / بی شک / بی تردید و ... سخن گفت» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «رسلاً» نکره است و به صورت «پیامبرانی» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

ترکیب «قد+ماضی» به صورت «ماضی نقلی» ترجمه می‌شود و می‌دانید که در ترجمه، «ماضی ساده و نقلی» می‌توانند به جای هم بیایند و درست است؛ پس «قد قَضَنا» به صورت «بیان کرده‌ایم» ترجمه می‌شود.
 [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«من قبل» معنای «از قبل / پیش از» می‌دهد. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 ترکیب «لم+مضارع» به صورت «ماضی ساده منفی / ماضی نقلی منفی» ترجمه می‌شود؛ یعنی «لم نقصص» به صورت «بیان نکردیم / بیان نکرده‌ایم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۳»]

۱۹۰ ۱ «إِنَّ» روی کل جمله تأکید می‌کند و در نتیجه گزینه‌های «۲» و «۳» که بر کل جمله تأکید ندارند، اشتباه هستند. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «لا يُضَيِّعُ» فعل نفی است و معنی «تباہ نمی‌کند» می‌دهد. [رد گزینه «۴»]
 ۱۹۱ ۳ «إِنَّ» روی کل جمله پس از خود تأکید دارد و در اینجا «إِنَّ» روی جمله «من تُدْخِلُ ...» تأکید دارد و گزینه‌های «۱» و «۲» نادرست اند.
 [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«أخزيتہ» جواب شرط است و به صورت «مضارع اخباری: او را خوار می‌کنی / او را خوار می‌سازی» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
 ۱۹۲ ۱ «معرفة» مفعول مطلق نوعی و «حقیقیة» صفت آن است، پس صفت به صورت قید «حقیقتاً / به طور حقیقی» ترجمه می‌شود، [رد گزینه «۴»]
 «يقولون» مضارع معلوم است و به صورت «می‌گویند» ترجمه می‌شود، ولی «می‌گفتند» ماضی استمراری و «گفته می‌شود» مضارع اخباری مجهول است. [رد سایر گزینه‌ها]

«عرفنا» اولی فعل شرط است و به صورت «مضارع التزامی: بشناسیم / ببریم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «أنفسنا» ← «خود را» [رد سایر گزینه‌ها]
 «رَبَّنَا» ← «پروردگاران / پروردگار خود» [رد سایر گزینه‌ها]
 «عرفنا» دوم جواب شرط است و به صورت «مضارع اخباری: می‌شناسیم» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]

۱۹۳ ۳ «اطمئناناً» مفعول مطلق و «تأماً» صفت آن است، پس صفت را به صورت قید «اطمینان کامل دارد / کاملاً اطمینان دارد» ترجمه می‌شود.
 [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
 «كانت» ماضی است و به صورت «بوده است» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«في سبيل الله» ← «در راه خدا» [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۱۸۲ ۱ مستثنی منه محذوف بوده و جمله به صورت‌های «+ فقط به افکار دل‌انگیز اجازه بده / -: جز به افکار دل‌انگیز، اجازه مده» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

«حياتك» ← «زندگی‌ات» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «علي» بر سر «قلبك» معنی «بر» می‌دهد، یعنی «علي قلبك» به صورت «بر دلت / بر قلبت» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۱۸۳ ۳ مستثنی منه محذوف بوده و جمله به صورت‌های «+ فقط ودیعه‌هایی هستند / -: نیستند جز ودیعه‌هایی» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
 «كيف» ← «چگونه» [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
 «غداً أو بعد غد» ← «فردا یا پس فردا» [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «سنترکهم» ← «ترک خواهیم کرد» [رد سایر گزینه‌ها]

۱۸۴ ۲ مستثنی منه محذوف بوده و جمله به صورت‌های «+ فقط یک بار می‌شود اعتماد کرد / -: جز برای یک بار نمی‌شود اعتماد کرد» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
 «الإنسان بیأس» ← «انسان ناامید می‌شود.» [رد سایر گزینه‌ها]
 «إنهم» ← «آنها» [رد سایر گزینه‌ها]
 «منهم» ← «از آنها» [رد سایر گزینه‌ها]
 «مرة واحدة» ← «یک بار» [رد گزینه «۴»]

۱۸۵ ۱ مستثنی منه محذوف بوده و جمله به صورت‌های «+ فقط در صورتی می‌توانم که مرا یاری کنند / -: نمی‌توانم، مگر اینکه مرا یاری کنند» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «العمل الخطير» ← «کار مهم / عمل با ارزش / کار پر خطر» [رد گزینه «۴»]
 ۱۸۶ ۴ مستثنی منه محذوف بوده و جمله به صورت‌های «+ فقط درباره آنچه آن را انجام داده‌ام سخن بگویم / -: جز درباره آنچه انجام داده‌ام، سخن نگویم» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
 «ما» ← «آنچه» [رد گزینه «۳»]
 «فعلتُ» ← «انجام دادم / داده‌ام» [رد سایر گزینه‌ها]
 «هرگز» در گزینه‌های «۱» و «۲» زائد است. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]
 «قد عاهدتُ» ← «عهد کرده‌ام» [رد گزینه «۲»]

۱۸۷ ۱ «فقط» به صورت «إلا» یا «إنما» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
 «دوستی» ← «الصدقة» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «در» بر سر «در ناملايمات» به صورت «في» تعریب می‌شود و به صورت‌های «في المصائب / في المشاكل» تعریب می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
 «أيضاً» و «أبداً» در گزینه‌های «۲» و «۴» زائد است. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]

۱۸۸ ۲ «القوم» مستثنی بوده و مستثنی منه محذوف است. این جمله به دو صورت ترجمه می‌شود «+ فقط کافران از رحمت خدا ناامید می‌شوند / -: جز کافران هیچ کس از رحمت خدا ناامید نمی‌شود.»

بررسی سایر گزینه‌ها
 ۱) «وجه» از «كَلٌّ» جدا شده و مستثنی منه موجود است و «فقط» نادرست می‌باشد.

۱۹۴ ۴ «بسیار تلاش کنید» ← «محاولة كثيرة / اجتهاداً بالغاً»
[رد سایر گزینه‌ها]

«کارهایتان» ← «أمورکم / أعمالکم» [رد گزینه «۳»]
«باید تلاش کنید» ← «عليکم أن تتجهدوا» [رد سایر گزینه‌ها]
«بناتی» معنای «دخترانم» می‌دهد. [رد گزینه «۳»]
۱۹۵ ۴ «إِنَّ» روی کل جمله تأکید می‌کند و درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ «تأديباً» مفعول مطلق تأکیدی است و فقط روی فعل تأکید می‌کند، آوردن «قطعاً» در ابتدای جمله که روی همه جمله تأکید می‌کند، نادرست است.
۲ «إِنَّ» روی کل جمله تأکید می‌کند و به صورت «بی‌گمان خدا...» باید باشد.
۳ «إِنَّ» روی کل جمله تأکید می‌کند: «قطعاً دنیا...»

سوء تفاهم طوری

به شدت دقت کنید که تأکید روی کدام قسمت جمله است و تأکید را برای همان قسمت بیاورید. تأکیدهای کتاب درسی را در جدول زیر برایتان جمع‌بندی کرده‌ام:

إِنَّ الله لا يُضَيِّعُ أجر المحسنين!	کل جمله	إِنَّ
قطعاً خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.	بعد از خود	
يستغفر الله إستغفاراً! قطعاً از خدا طلب استغفار می‌کند!	مفعول مطلق تأکیدی	مفعول مطلق تأکیدی
لقد أرسلنا رسلنا! بی‌گمان پیامبران را فرستادیم!	فعل ماضی پس از خود	لقد
لا يحضر التلاميذ إلا علياً! فقط علی حاضر شد!	کلمه بعد از «إلا»	مستثنی منه محذوف
لا غفران للكافرين! هیچ آمرزشی برای کافر نیست	اسم پس از خود	«لا» نفی جنس

تأکیدهای کتاب درسی

۱۹۶ ۴ پس از مفعول مطلق «حساب» مضاف‌إليه داریم و در ترجمه آن «همچون / مثل / مانند» می‌آید و درست است.

بررسی سایر گزینه‌ها

۱ پس از «صبراً»، صفت مفرد «جميلاً» آمده و به شکل قیدی «به نیکی صبر پیشه کن» ترجمه می‌شود.
۲ پس از «إخباراً»، صفت مفرد «عجيباً» آمده و به شکل قیدی «به‌طور شگفت‌انگیزی» ترجمه می‌شود.
۳ «إطمئناناً» مفعول مطلق تأکیدی است و باید در ترجمه آن «همانا / قطعاً / حتماً» را به کار برد.

۱۹۷ ۳ «إلى» در «إليك» معنای «به / به سوی» می‌دهد که در گزینه‌های «۱» و «۲» ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های «۱» و «۲»]

«ب» معنای «به» می‌دهد و «بعباده» معنی «به بندگانش / به بندگان خود» می‌دهد. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]; چون در این دو گزینه ترجمه نشده است. «أوحينا» فعل ماضی است و به صورت «وحي کرده‌ایم / نازل کرده‌ایم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]
«خبیر و بصیر» به صورت «آگاه و بینا» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

۱۹۸ ۱ «ل» در «لتهدیب» معنای «برای» می‌دهد. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
«في» در «في المستقبل» معنای «در» می‌دهد؛ یعنی «في المستقبل» به صورت «در آینده» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
«محاولتکم اليوم» ← «تلاش امروز شما» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]
«سیخاف» ← «خواهند ترسید» [رد سایر گزینه‌ها]

۱۹۹ ۲ «من» معنای «از» می‌دهد؛ در نتیجه «من أفضل» معنای «از بهترین» می‌دهد، که «از» در گزینه‌های «۱» و «۴» نیامده است. [رد گزینه‌های «۱» و «۴»]

«أعمال» جمع ← «کارها / اعمال» [رد گزینه «۱»]
«تظاهر» مصدر است و معنای «تظاهر کردن» دارد، ولی گزینه‌های «۳» و «۴» که به صورت فعل ترجمه شده‌اند، رد می‌شوند. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]
۲۰۰ ۱ «إلى» معنای «به» دارد و در «إلى صغر» به شکل «به کوچکی / به خردی» ترجمه می‌شود، ولی در گزینه‌های «۳» و «۴» ترجمه نشده است. [رد گزینه‌های «۳» و «۴»]

«في» معنای «در» می‌دهد و «بطن» نیز مفرد است، لذا ترکیب «في بطن الأرض» به صورت «در دل زمین» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۴»]
«هذه» ← «این» [رد گزینه «۴»]
«التملة الصغیرة» ترکیب وصفی ← «مورچه کوچک / مورچه کوچک» [رد گزینه «۳»]
«صانعة کبيرة» / «مهندسة حاذقة» نکره ← «سازنده‌ای بزرگ / سازنده بزرگی / یک سازنده بزرگ» / «مهندس ماهری / مهندسی ماهر / یک مهندس ماهر» [رد سایر گزینه‌ها]

۲۰۱ ۴ «من» معنای «از» می‌دهد و در ترکیب «من أسرار العالم» به صورت «از اسرار عالم / از پنهانی‌های عالم» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

«من الطبیعة» ← «از طبیعت» [رد گزینه «۱»]
«فیها» ← «در آن» [رد گزینه «۱»]
«ما» ← «آنچه» [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۲۰۲ ۴ «من» قبل از «الأولاد» معنی «از» دارد و در کل به صورت «از فرزندان» ترجمه می‌شود. [رد سایر گزینه‌ها]
«في» در «في صحّة» معنی «در» می‌دهد، ولی در گزینه «۲» ترجمه نشده است. [رد گزینه «۲»]
ضمیر «هم» در «والديهم» به صورت «پدر و مادرشان / والدینشان» ترجمه می‌شود. [رد گزینه‌های «۲» و «۳»]

۲۰۳ ۳ «به» در «به منزله» فقط در گزینه «۳» يعني «بمنزلة» آمده است. [رد ساير گزينه‌ها]

«به خدا» حرف جر ← «بالله» [رد گزينه‌های «۲» و «۴»]

«پله‌ها» ← «الدراجات» [رد گزينه‌های «۲» و «۴»]

«ايمان واقعي» ← «الإيمان الواقعي / الإيمان الحقيقي» [رد گزينه‌های «۲» و «۴»]

«في: در» و «من: از» در گزينه‌های «۱» و «۲» اضافه ترجمه شده‌اند. [رد گزينه‌های «۱» و «۲»]

۲۰۴ ۱ «برای شيطان» ← «للشيطان» [رد گزينه‌های «۲» و «۳»]

«عقل» ← «عقل» - «عقول» [رد گزينه «۴»]

«دري» ← «باباً» - «أبواباً» [رد گزينه‌های «۲» و «۴»]

«سخت می‌شود» مضارع اخباری ← «تصبح صعبة» [رد ساير گزينه‌ها]

«باز مکن» ← «لا تفتح» [رد گزينه‌های «۳» و «۴»]

۲۰۵ ۳ قبل از «جوجه‌ها»، «برای» نيست، پس «للفراخ / للأفراخ» نادرست است. [رد گزينه‌های «۱» و «۲»]

«سقوط جوجه‌ها» تركيب اضافی است و به صورت «سقوط الفراخ» درست است. [رد ساير گزينه‌ها] چون مضاف‌إليه «ال» دارد و مضاف بدون «ال» /

توین» است. قبل «منظره»، «از» نداریم و مفرد است، پس «من المناظر / من مشاهد» نادرست است. [رد گزينه‌های «۱» و «۲»]

۲۰۶ ۴ «در جهان» به صورت «في العالم» می‌آید. [رد گزينه‌های «۱» و «۲»]

«بر ماست» به صورت «علینا» می‌آید. [رد گزينه‌های «۱» و «۳»]

«زبان‌ها» در عربي به صورت «اللغات» می‌آید، ولی «المفردات» معنی «کلمات» می‌دهد. [رد گزينه‌های «۱» و «۲»]

۲۰۷ ۴ «لِ + اسم / ضمير» در ابتدای جمله معنی مالکیت دارد، پس «لله» معنی «برای خداست / از آن خداست» می‌دهد که در همه گزينه‌ها درست است.

«السَّمَاوَاتِ» جمع ← «آسمان‌ها» [رد گزينه‌های «۱» و «۳»]

«أنفسكم» ← «درونتان / درون خود» [رد گزينه‌های «۲» و «۳»]

«يُحاسب» مضارع است و به صورت «مضارع اخباری: محاسبه می‌کند» ترجمه می‌شود. [رد گزينه‌های «۲» و «۳»]

۲۰۸ ۱ «هنالك» اول جمله معنای «آنجا» نمی‌دهد، بلکه معنی «است / هست / وجود دارد» می‌دهد [رد گزينه‌های «۳» و «۴»]

فعل «تبعث: برمی‌انگیزد» مضارع است. [رد گزينه‌های «۲» و «۴»]

۲۰۹ ۱ «للتَّوم» ← «برای سير... است / سير... دارد». [رد ساير گزينه‌ها]

«فوائد كثيرة» وصفی نکره ← «فوائد بسیاری» [رد ساير گزينه‌ها]

«يذكر» مضارع اخباری ← «نام می‌برند / ذکر می‌کنند» [رد گزينه‌های «۳» و «۴»]

۲۱۰ ۲ «هنالك» ابتدای جمله معنی «وجود دارد / هست / است» می‌دهد. [رد گزينه‌های «۱» و «۳»]

«أبحاث علمية مهمة» ← «تحقيقات علمي مهمي» [رد ساير گزينه‌ها]

«يقوم ... بـ» مضارع اخباری ← «انجام می‌دهند / می‌پردازند» [رد ساير گزينه‌ها]

۲۱۱ ۲ «للأيام الماطرة» وصفی معرفه ← «روزهای بارانی دارد / برای

روزهای بارانی است» [رد ساير گزينه‌ها]

«الألوان المختلفة» وصفی معرفه ← «رنگ‌های مختلف / رنگ‌های متفاوت» [رد گزينه‌های «۱» و «۴»]

«تتكئون» ← «تشكيل می‌شود» [رد ساير گزينه‌ها]

«تجعل السماء خلابة» ← «آسمان رازيبا می‌کند / آسمان رادلبا می‌سازد» [رد گزينه‌های «۱» و «۴»]

۲۱۲ ۱ «ليست له رجل» ← «يا نداشت» [رد گزينه‌های «۲» و «۳»]

«حذاء» ← «كفش» [رد گزينه «۲»]

«كنت» روی «أمشي» هم اثر می‌گذارد و به صورت «ماضي استمراري: راه می‌رفتم / حرکت می‌کردم» ترجمه می‌شود. [رد گزينه‌های «۲» و «۴»]

«من عمري» ← «از عمرم» [رد ساير گزينه‌ها]; در ساير گزينه‌ها ترجمه نشده است.

۲۱۳ ۴ «يكون للكتاب» ← «كتاب دارد» [رد گزينه‌های «۲» و «۳»]

«رَبِّمَا» ← «چه بسا» [رد گزينه‌های «۱» و «۲»]

«يَعْبُرُ» فعل است، ولی در گزينه «۱» به صورت «تغييرات» آمده که اسم است و نادرست می‌باشد. [رد گزينه «۱»]

در گزينه «۲» فعل «تغيير کند» نادرست است. [رد گزينه «۲»]

۲۱۴ ۳ «هناك» معنی «وجود دارد» می‌دهد. [رد ساير گزينه‌ها]

«عمق» مفرد است و معنی «عمق» می‌دهد. [رد گزينه‌های «۲» و «۴»]

«متعجباً» حال است و به صورت «با شگفتی / با تعجب» ترجمه می‌شود. [رد گزينه «۴»]

۲۱۵ ۲ «هنا/هناك» اگر اول جمله بیايند، معنی «وجود دارد» می‌دهند. [رد گزينه‌های «۳» و «۴»]

«حقائق فراوانی» نکره است، پس باید به صورت نکره تعريب شود؛ يعني «حقائق كثيرة» [رد گزينه‌های «۱» و «۴»] چون «الحقائق الكثيرة» و «الحقائق الفخمة» هر دو معرفه هستند.

«عاجز می‌باشد» فعل «مضارع اخباری» است؛ پس به صورت «يعجز» تعريب می‌شود. [رد گزينه‌های «۱» و «۴»]

ضمير «ه» معنی «او/آن» و «ها» معنی «آنها / آنان» می‌دهد و در عبارت فارسی «آنها» آمده است. [رد گزينه‌های «۳» و «۴»]

۲۱۶ ۲ تركيب «كانت+لي» به صورت «داشتم» ترجمه می‌شود، «جدة» نیز اسم «نکره» است و به صورت «نکره» ترجمه می‌شود و «كثيراً» هم که معنی «بسیار» می‌دهد، پس گزينه «۲» درست است.

بررسی ساير گزينه‌ها

۱) تركيب «كان + لِ + اسم / ضمير» و «كان + عند + اسم / ضمير» معنی «داشتم / داشتی و ...» می‌دهد، پس اين گزينه نادرست است؛ چون به جای «بود» باید می‌گفت «داشت».

۳) تركيب «كان + لِ + اسم / ضمير» و «كان + عند + اسم / ضمير» معنی «داشتم / داشتی و ...» می‌دهد، پس «كان للمسلمين» به صورت «مسلمانان داشتند» ترجمه می‌شود.

۴) «كان + لِ + اسم / ضمير» يعني «كان لإيران» به صورت «ایران داشت...» ترجمه می‌شود.